

هدف امریادار هم سلسلن انقلاب ایران است، نه آزادی «گروگانها»

خطر امریکا

جدی است فوری است باقی است

خطر تهاجم مجدد امریالیسم آمریکا همچنان باقی است. اخبار موجود بازم این واقییت را تأیید می کند:

جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد از شکست تلاش نجات ماه گذشته گروگان های آمریکایی در تهران، روحاً کسل است. او در سخنرانی خود در شورای کار برای پیشرفت آمریکایی لاین گفت ما نمیتوانیم استراحت کنیم تا وقتی که آزادی آمریکایی ها باذیست داده شود.

وزارت کریستوفر کنیل وزارت خارجه امریکا در اظهار نظر روز پنجشنبه خود در کمیته روابط خارجی سنا، هیچ امیدی به پایان نزدیک بحران ایران از تکرار، ولی گفت ایران از مجازات های اقتصادی آمریکا و اروپا محمل مشکلات فزاینده ای خواهد شد. او افزود هدف واشنگتن برقراری یک ثبات تعیین ناپذیر است. تا زمانی که موقعیت گروگان گیری ادامم می یابد، اوضاع برای مردم ایران بدتر خواهد شد.

آمریکا متحدان خود را برای تحریم اقتصادی ایران تحت فشار میگذارد. ورن کریستوفر کنیل امور خارجه آمریکا اعلام کرد این کشور متحدین خود را تحت فشار میگذارد تا با اعمال یک تحریم دسته جمعی علیه ایران، به اقتصاد این کشور لطمه زده و زندگی را برای ایرانیان دشوار سازند. بنا به گزارش آسوشیتد پرس از واشنگتن ورن کریستوفر اضافه کرد: «ما میخواهیم رهبران ایران بدانند که تمام کوشش قابل استفاده را خواهیم کرد تا رهبران ایران را مجبور به آزادی گروگان ها کنیم».

از سوی دیگر کریستوفر قول داد جیمی کارتر با حسن نیت کامل و واحد امکان قبل از دست زدن به هر گونه عملیات نظامی با اعضای کنگره مشورت خواهد کرد.

تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران در برنامه کار روزانه کاخ سفید باقی است. بر این گزارش مطبوعات آمریکا در جلسه مشاوره ای که در کمپ دیوید برگزار شد برزیسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور و هارولد براون وزیر دفاع آمریکا در چند روز پیش بر گزار شد، طرح های گوناگون اقدامات علیه ایران و بویژه طرح های مختلف تجاوز نظامی به ایران مورد بررسی قرار گرفت.

اقداماتی که از سوی کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در جهت تحریم اقتصادی ایران صورت می گیرد، کم کم از احداث سنبلیک خود خارج شده و به نوعی همبستگی با آمریکا در مورد گروگانها مبدل می شود. لرد کارینگتون وزیر خارجه انگلستان اعلام کرده: «باید به حکومت ایران نشان داد که موضع ما کاملاً جدی است».

ستون پنجم آمریکا

آمریکا چنانکه صریحاً اعلام کرده برای زمین سازی خود از جاسوسان و ایادی داخلی اش استفاده می کند. اخبار از فعالیت وسیع ستون پنجم آمریکا حکایت دارد. یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار با ۱۰ بمب دستگیر شد. عسر دیروز یک نفر همراه با سه عدد بمب و یک عدد نارنجک دست ساز دستگیر شد. این شخص که جوانی ۲۲ ساله میباشد، یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار است. این گروه که ستون پنجم آمریکا در ایران نام گرفته است، در انفجارهای اخیر تهران و شهرستانها دست داشته است. اعضای این گروه خود را آماده همکاری با کاندیدهای متجاوز آمریکایی به ایران کرده بودند که پس از شکست مفتضحانه آمریکا عملیات این گروه نیز خود بخود لغو شد. اما پس از آن این گروه با استفاده از تجهیزات و مهمات از قبیل آماده شدن برای ایجاد رعب و وحشت و ایجاد جنگ روانی، دست به تخریب و ایجاد انفجار در نقاط مختلف ایران زدند.

تاکنون هیچکدام از خبرنگاران آمریکایی، که سفارتخانه خود را تحت نظر دارند، انتقال گروگانها را ندیده اند.

۲۱ آمریکایی و آلمانی در یزد دستگیر شدند. شب گذشته مسئول سپاه پاسداری انقلاب اسلامی یزد طی تماسی با خبرنگار جمهوری اسلامی اعلام کرد: دیروز ۵ زن و ۱۴ مرد توریست در این استان دستگیر شدند... لازم بیاد آورید که از دو آمریکایی دستگیر شده که یکی از آنها زن است، یک قبضه کلت و لنگری، ۱۹ تیر فشنگ به همراه ۱۵۱ گرم حشیش و تعدادی نوار ضبط صوت و یک حلقه فیلم تعدادی اوراق که آدرسهای مختلف به روی آن مشاهده می شد، بدست آمد. بنا به اطلاع قبلی دانشجویان پیرو خط امام، مستقر در یزد طبق اطلاعات واسله از زمان دخالت ناقرچام نظامی آمریکا در ایران، رفت و آمد افراد توریست در این استان به چشم می خورد.

سرنوشت «گروگانهای» آمریکایی برای هیات حاکمه آمریکا، که مستقیماً از ستاد مرکزی امریالیسم در وال استریت آمریکا فرمان میگیرد، بوالعجب چقدر اهمیت دارد؟

این سئوالی است که تمام مردم ایران و تمام معتقدان به انقلاب و سرنوشت آن یکبار دیگر باید بدان پاسخ گویند. بی شک این پاسخ میتواند مستقیماً جهت را مشخص سازد که مجلس شورای آینده ایران میباید بر اساس این جهت گیری، پاسخ نهائی و قاطع را درباره سرنوشت «گروگانهای» آمریکایی بدهد.

تمام شواهد موجود حکایت از آن دارد که چه آمریکاییها تنواری تمام دست نشانده گانش، که با اتکا به سرنوشت زهر آکین قدرت نظامی او هنوز بر سر قدرت تکیه دارند، و چه آنها که نظام اجتماعی-اقتصادی همانکه با این جهان تنواری دارند در واقع شریک مستقیم او در غارت مستضعفان روی خاک هستند، بسیار جلوتر از حتی تسخیر دژ توپخانه ویرانک و وسیع آمریکا در ایران، یعنی جاسوسخانه آمریکا، تصمیم خود را درباره سرنوشت انقلاب ایران گرفته اند.

این یقین بر اساس مجموعه فعل و انفعالات سیاسی غرب بطور عام و آمریکا بطور خاص و اطلاعات جسته و گریخته ای که هر روز بیشتر از روز پیش بدست می آید، پیوسته محکم تر میشود.

ملاقات اویسی با نماینده شیخ عزالدین حسینی

ارتش و پاسداران زده است. نیزوهای بعضی همچنن پاسگاههای «شیخ صله» و «از کله» را با توپخانه های سنگین و خمپاره زیر آتش می گیرند. پاسگاه شیخ صله عملاً تحت تصرف نیروهای یعنی عراق است و نیروهای ایرانی به علت عدم هماهنگی ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران نتوانسته اند، این پاسگاه را پس بگیرند. از طرف دیگر، عشاير وابسته به حکومت بعث عراق، که زیر نظر کدخدای محمد نظری و کدخدای علی دولتخواه کار می کنند سراسر راه قهر شیرین تا باویسی را نیز، که آخرین نقطه مرزی است، مین گذاری کرده اند.

بنا به گفته یکی از مسئولین ستاد عملیاتی سپاه پاسداران در کردستان، نماینده شیخ عزالدین حسینی اخیراً با اویسی، از هاری و سردار جاف ملاقات و گفتگو کرده است. از محتوی این گفتگو، که به دنبال تشدید حملات نیروهای بعثی عراق و عوامل ضد انقلاب وابسته به امریالیسم آمریکا علیه ایران صورت می گیرد، اطلاعی در دست نیست. بر اساس اطلاعات رسیده، نیروهای بعثی عراق در حال حاضر بیشترین حملات خود را روی مناطق «باویسی»، «تپه رش» و «تیکه کوه» در حوالی قصر- شیرین متمرکز کرده و مسیر جاده از گروگان ژاندارمری «گروه نو» بعد را مین گذاری کرده اند. وجود این مین ها خسارات مالی و جانی فراوانی به نیروهای

فیدل کاسترو:

خلق کو با هرگز تسلیم نخواهد شد



در ایران يك انقلاب حقیقی روی داده است. مامو ظرف هستییم که نسبت به این انقلاب ابراز همبستگی کنیم

در تظاهرات اول ماه مه، که بیش از یک میلیون نفر از زحمتکشان هاوانا، پایتخت جمهوری کوبا، در آن شرکت کردند، فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس دولت کوبا، سخنرانی میسوطی ایراد کرد، که از نظر اهمیت، نکات برجسته آن با اطلاع خوانندگان گرامی می رسد:

کاسترو گفت: «دین گروم آتی باشکوه نمودار درختان همبستگی مردم کوبا و وفاداری آنان به مین و اسر انقلاب است. ما در اینجا کرد آمده ایم تا بدشمنان بگوئیم که خلق ما را نمیتوان بشوخی گرفت و با انقلاب ما نمیتوان بازیهای خنط ناک دست زد. ما نشان میدیم که کسی نمیتواند خلق ما را تحقیر کند و یا جرات تهدید

قرارداد مجتمع پتروشیمی ایران-ژاپن بسود ایران نیست و باید لغو گردد

و خواهند کرد جای تردیدی نیست. حیرت آور آنستکه مسئولین وزارت نفت ماهها است دست روی دست گذاشته و در انتظار آند که انصارهای تک ملیتی و چند ملیتی ژاپنی سهم در مجتمع پتروشیمی، سرنوشت آنرا تعیین کنند!

ناراضی وزارت نفت قطع محدود به عملکرد انصار ژاپنی است و آیا کارشناسان وزارت نفت، بعد از بیروزی انقلاب، اصل قرارداد منعقد بین ایران و انصارهای ژاپنی را، که در دوران رژیم شاه مخلوع به امضا رسیده و نمونه کامل و جامع يك قرارداد نواستعماری است، مطالعه کرده اند؟

آقای مین فر، وزیر نفت، در گفت و شنودی با خبرنگاران گفت که انحصار ژاپنی میتومی قبول داده که کار ادامه ساختمان مجتمع پترو- شیمی ایران - ژاپن را آغاز کند و گویا اقداماتی هم در این زمینه انجام داده است. آقای وزیر نفت افزود که از شیوه عمل انحصار ژاپنی ناراضی است.

ولی این فقط يك دروی مدال است. روی دیگر مدال مضمون و محتوی این قرارداد است. ما بارها درباره قرارداد های اسارت بار و بیگانه تحمیل شده از جانب امریالیسم سخن گفته و مهابت غارتگرانه آنها را فاش ساخته ایم و قتی ما میگوئیم اینکه قراردادها باید بی درنگ منسوخ و تجدیدنظر همه جانبه قرار گیرند، هدفی جز پایان دادن به سیطره انصار های غول آسای امریالیستی به قصد تامين مصالح و منافع ایران و ایرانی نداشته و نداریم. در مورد قرارداد مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی هم که انصا رهای ژاپنی ۵۰ درصد سهام آنرا بخود اختصاص داده اند، نظرمنا الهای فوری این قرارداد است، بهویژه اینکه طرف ژاپنی با کمال شکنی های خود چنین حق را به وزارت نفت ایران میدهد. عمل مخالفت ما با این قرارداد به قرار زیرین است:

در صفحات بعد

۱۴ ساعت «ماشین شوئی» برای يك لقمه نان

کزارش از زندگی و «کار» ماشین شوئیان تهران - صفحه ۳
رسانه های گروهی ایران را از چنگ خبرگزاری های امریالیستی نجات دهید

فراورده های کشاورزی امسال را باید نجات داد

با کارگران معادن یزد...
سائل دهقانان - صفحه ۵

پنج بال سپید نشسته به خون

بیست و ششمین سالگرد شهادت ۵ رفیق توده ای در زندان رشت - صفحه ۷

برای مبارزه با امریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

راهپیمائی هواداران حزب توده ایران در آلمان فدرال و اطریش به مناسبت اول ماه مه



اعضا و هواداران حزب توده ایران در اطریش، در تظاهرات اول ماه مه دروین، پایتخت اطریش، با شعار «دستها از ایران کوتاه» شرکت کردند.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرهای مختلف آلمان فدرال روز اول ماه مه را در کنار اعضای احزاب کمونیست شیلی و ترکیه در آلمان غربی گرامی داشتند.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در اطریش نیز روز اول ماه مه در کنار اعضای حزب اطریش راهپیمائی کردند. واحد حزب توده ایران در اطریش در این روز، ضمن صدور اطلاعیه‌ای، از همه نیروهای صدیق انقلابی خواست که برغم تفرقه‌افکنی‌ها، قوای خود را در جبهه اصلی نبرد علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی

امپریالیسم وحشی آمریکا، گرد آورند و برای شکست مقاومت دشمن انقلاب را در عرصه اجتماعی-اقتصادی به پیش برند.

در این اطلاعیه اضافه شده است:

... اولین مهم‌ترین وظیفه حزب توده ایران کوشش در این راه است که با همکاری همه نیروهای راستین انقلابی خلقی ایران، نهال جوان پیروزی دست آمده را تحکیم کنیم و بکوشیم تا این پیروزی بزرگ تاریخی را، که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت ناپذیر سازیم...

هدف آمریکا درهم شکستن انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

بدون پرده‌پوشی و دودلی باید گفت که تصمیم آنها همان خفه کردن انقلاب ماست. می‌خواهند گلولی مسا در درون خانه‌مان بگیرند و آنقدر در میان انگشتان بخون نشسته خود بشارند، تا به خیال خودشان برای همیشه خاموش شویم.

ما این اعتراف فم‌نگیزیکی از جاسوسان آمریکائی را، که اخیراً به سرسرجان مغایره شده، یک واقعیت تلقی می‌کنیم و آنرا شاهد دیگری برای یقین خود میدانیم که آمریکا و دستیاران و دست‌نشانده‌هایش تصمیم نهائی خود را درباره ایران و انقلاب آن مدتهاست گرفته‌اند و در طول این مدت با انواع بازیهای سیاسی در مقابل نگهداشتن ما داشته‌اند، تا زمان و فرصت بهتر و بیشتر برای اجرای نقشه‌های شیطانی خود داشته باشند.

جاسوس آمریکائی با صراحت گفت: ما گروما مانده‌های دیگر جاسوسان، پول دار بودیم و در آمریکا از این نظر نفوذی داشتیم، آمریکا تاکنون بی‌شک همه تلاش خود را، حتی با تهاویل دادن شاه به ایران بکار گرفته بود، تا ما را آزاد کند و به خانه و کاشانه‌مان بازگرداند.

کمیته‌ترین حقه‌های تبلیغاتی علیه انقلاب ایران و رهبران آن اتمام حجتی جریان داد. تمام شیوه‌های تبلیغاتی که علیه فیدل کاسترو در برابر انقلاب کوبا، در دهه ۶۰ و در اوج جنگ سرد، بکار میرفت، اکنون با شکردهای تازه و با استفاده از تکنیک‌های برتر تبلیغاتی علیه رهبر انقلاب ایران اعمال می‌شود. شیوه‌هایی که بر زبان آوردن آن تکیه آورده است.

همین دانشجویان تعریف می‌کنند که گهگاه آنچنان در امواج تبلیغات علیه ایران گرفتار می‌شدند که مجبور می‌شدند در مواردی به ایران و به خانواده‌شان تلفن کنند و حقایق را در باره ایران از آنها پرسند و با همین دانشجویان بازگشته به وطن، از اینکه مادران ایران، حتی گوشه چشمی از تصویر هولناک آمریکائی چنانکار در دردمان نشان نمی‌دهیم و وسائل ارتباط جمعی ما، مخصوصاً رادیو و تلویزیون در این مورد نقش را بازی نمی‌کنند، متعجب شده‌اند.

امریکا در بهانه همین جنجال تبلیغاتی و دیگرگون جلوه‌دادن حقایق مربوط به ایران، بر رگرگین نیروی نظامی خود در در زمان صلح در جنوب ایران متمرکز کرده است، تا آنرا در لحظه نهائی برای اجرای تصمیم خود، که همانا فترت گلولی انقلاب ایران است، به بخت بکشد.

نگاهی فهرست‌واره بر تمرکز قوای آمریکا در آبهای جنوبی ایران خود بیانگر این واقعیت است که آمریکا تصمیم نهائی خود را برای انقلاب ایران گرفته است و این تازه بر اساس اعترافات خبرگزاری‌های دست‌آموز سیاسی آمریکا است، که لابد بناچار به جهان مغایره شده است.

رویت گزارش میدهد:

«هیأتی از مجلس نمایندگان آمریکا برای مذاکره پیرامون اجرای طرح کار در زمینه تقویت حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس وارد سومالی شد. این هیأت که اعضای آن نمایندگان کمیته نظامی مجلس آمریکا هستند، علاوه بر سومالی، از عربستان سعودی، عمان، کویت، پاکستان و ترکیه نیز دیدار خواهد کرد.»

روزنامه دیولت (آلمان فدرال) می‌نویسد: «گروه جنگی آمریکا در خلیج فارس، طبق آخرین اطلاعیه ناوگارتست از ۱۸ فروردین کشتی جنگی و فرود کشتی پشتیبانی. در این گروه ناو هواپیمابر اتنی، هتی، پیس، ۹۵۰۰ تنی و ناو هواپیمابر «کودال سی» ۳۳۰۰۰ تنی هستند. این دو ناو عموماً ۱۷۵ هواپیمای در عرشه خود حمل می‌کنند. «نی میس» بزرگترین ناو جنگی جهان است. علاوه بر این، نیروی جنگی آمریکا دارای یک گروه هاورکرافت متعلق به نیروی دریائی برای پیاده کردن نیروی هوایی و بمباران است. این گروه هاورکرافت متعلق به نیروی دریائی برای میان آمریکا و عثمانی توافقنامه همکاری نظامی به امضا رسیده است، که بر اساس آن به آمریکا امکان میدهد بر تنگنهرمز، که نفت ایران از آن عبور می‌کند، نظارت کامل پیدا کند.

همچنین آمریکا اقدام به اعزام دو فرود هواپیمای مدرن حامل رادار بنام «رادار پرند» به منطقه خلیج فارس کرده است، که قادرند کلیه پروازهای هر نوع هواپیمای در تمام منطقه، که با زمین ۳۰ متری فاصله داشته باشند، رویا بی‌کند.

طبق قراردادی که میان آمریکا و ودبی امضا شد، ودبی تسهیلات بندری در اختیار نیروی دریائی آمریکا قرار می‌دهد.

این هجوم نظامی آمریکا به منطقه خلیج فارس را در کنار این اظهارات بلندپایه‌ترین مقامات این کشور بگذارید، تا عمق تصمیم شود آمریکا درباره ایران را بیشتر درک کنید.

برتریکی مشاور امنیت ملی کاخ سفید آمریکا گفت: «در صورتیکه جنگ بین ایران و عراق از حالت یک مخاصمه محلی گسترده تر نشود، ایالات متحده ممکن است در این جریان درگیر شود.»

او همچنین گفت: «در صورتیکه هر کدام از گروه‌ها صدمه‌های ببینند، ایالات متحده دست به اقدام نظامی نخواهد زد.»

آسویخت پرس گزارش داد: «از کارتری پرسیده شده کاربرد نظامی در خلیج فارس تا چه حد احتمال دارد؟»

کارتی جواب داد:

حل مشکل مسکن...

بقیه از صفحه ۱

با آنکه از نخستین ماههای بعد از انقلاب، حل مشکل مسکن برای مستضعفان در دستور کار بود، ولی نداشتن سیاست اقتصادی مشخص، که منجر به نداشتن سیاست روشنی در امر خانه‌سازی نیز شد، تعدد مراجع تصمیم‌گیری و اتخاذ تصمیمات ضد و نقیص، مانع از اقدام جدی برای حل این مشکل بزرگ اجتماعی شده، تا آنجا که مدیر عامل بنیاد مسکن در سمینار سه‌روزه این بنیاد سرریحا اعلام می‌کند که: «فاین سیاست دولت است که تصمیم درامد فلا صورت یک مسئله اساسی مطرح نشود.» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران - ۲۴ فروردین ۱۳۵۹)

و اما چرا؟ مگر نه است که ۱۸ میلیون هموطن روستاشین ما را باید از آن سوراخسای غیربهداشتی بنام «خانه» بیرون کشید و در یک مسکن مناسب جای داد؟

مگر نه است که در همین شهر تهران، طبق نوشته روزنامه‌ها، تا اواسط سال ۱۳۵۷، یک میلیون حاشیه‌نشین وجود داشته و در

یکساله بعد از انقلاب نیز، بنا به گفته شهردار تهران، یک میلیون نفر به‌هوا می‌گرفتند مسکن به تهران کوچ کرده‌اند و به‌شمار حاشیه‌نشین‌ها افزوده‌اند؟

مگر نه است که در شهرهای سراسر کشور باید بسیاری از خانه‌ها را در هم کوبید و ساکنان آنها را به خانه‌های مناسب‌انقل داد؟

بنابراین چرا نباید حل مشکل مسکن بصورت یک مسئله اساسی برای انقلاب مطرح باشد؟ علت آن روشن است. مسئولین امور سرانجام به این حقیقت پی بردند که حل مشکل مسکن فقط در پیوند با سایر مسائل اقتصادی و عمرانی کشور ممکن است، و چون متأسفانه تاکنون برنامه‌های جامع برای حل مشکلات اقتصادی و عمرانی ارائه نشده، مسئله مسکن هم به تبعیت از آن مسائل، حل نشده باقی مانده است.

بدون کمترین تردید باید گفت که تا زمانی که راه رشد اقتصادی کشور مشخص نباشد و بر اساس این راه رشد برنامه‌های صنعتی، کشاورزی و عمرانی پی‌ریزی نشود، طبقاً نمیتوان در مورد چگونگی حل مشکل مسکن تصمیم گرفت.

مباحث داریم هر وسیله‌ای را تحت قوانین بین‌المللی...

پیکار داریم و از آنجا که ما تقویا طرفداریم در این ماجرا هستیم، لذا راه‌توسل به نیروی نظامی، اگر من ضروری تشخیص دهیم، بر ما بسته نیست.

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: «ایالات متحده به متحدان خود و دولت ایران اطلاع داده است که چنانچه وضع گروگان‌های زندانی سفارت آمریکا در تهران تا ماه مه روشن نشود، این کشور ایران را در محاصره دریائی قرار خواهد داد.»

این واقعیت را هم‌اکنون ایران و هم آمریکا و هم دستیاران و دست‌نشانده‌هایش میدانند که هیچ نیرو در خلیج فارس و در جنوب ایران برای شرکت در یک کارناوال دریائی نیست. همه این قشون‌کشی نشان می‌دهد که آمریکا چه‌خواهی برای انقلاب ایران در سر دارد و این‌خواهی است که از ابتدای اوج گیری این هفت‌دسر داشته است و بی‌شک همچنان درس دارد. این همان تصمیمی است که از قبل برای ایران و انقلاب آن گرفته‌اند و ما می‌بایست بر اساس آگاهی از این تصمیم خود، امریالیسم چنانکار آمریکا بسنجیم و در مورد تمام رابطه‌های خویش با آمریکا سلطه‌گر و زاجمله‌باز «گروگان‌های» آمریکائی نیز بر اساس این آگاهی تصمیم بگیریم. تصمیمی که می‌بایست در مجلس شورای آینه ایران تجلی کند.

در نخستین روزهای تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران، در داخل به آمریکا پیشنهاد شد، یکی آنکه شاه مخلوع و اموال‌خوارت شده‌اش را به ایران مسترد دادند و گروگان‌ها را آزاد شوند. دیگری اینکه، اگر اواز این کار باز زنده‌توطئه چینی و سپه‌علیه انقلاب ایران ادامه دهد و این خواست به حق ملت ایران عمل نکند، «گروگان‌های» که تمام مدارک و پرونده‌های مربوط به جاسوسی آنها علیه انقلاب ایران در دست است، در دادگاه خلق ایران محاکمه خواهند شد و هیچ‌اوقات قانونی خواهند رسید.

قبل از تسخیر جاسوسخانه‌اش در ایران گرفته، نه تنها خیال پانز-گرداننده شامخلوع و وثیقه‌های مفادرت راه‌های ایران ندارد، بلکه بر وقته مشغول توطئه‌ریسی علیه انقلاب ایران است و می‌خواهد کلوی خلق ایران را در درون مرزهای ایران در دستهای خونینش آقدر بشمارد، که دیگر صدای فریاد مظلومان و حق‌طلبان نشنیده نشود. بر این اساس است که باید، از خود سؤال کرد که آیا سازمان اجرای تصمیم دوم ایران منی بر محاکمه جاسوسان آمریکائی در دادگاه خلق ایران نرسیده است؟

آیا اکنون که آمریکا تصمیم نهائی خود را برای سرکوب انقلاب ایران گرفته است، نباید از جمله با محاکمه جاسوسان آمریکائی با او به مقابله برخیزیم؟ آیا با زرم باید منتظر ابتکار عمل آمریکا باقی‌مانیم و سپس عکس‌العمل نشان دهیم؟

تجاوز نظامی و محاصره اقتصادی ایران توسط آمریکا چنانکار و همه‌دستی و همکاری نوکران دست‌نشانده و باران‌دو رکی غارتگرش در غرب را یکبار دیگر باید به خاطر آورد و سپس به این سؤال پاسخ داد که، آیا با زرم جای سیر و انتظار باقی مانده است؟ اما شاید این سؤال برای بسیاری مطرح شود که، ما در تسریع محاکمه جاسوسان آمریکائی چه‌سودی می‌بینیم؟

این گفته امام خمینی: بهترین پاسخ به این سؤال است که، آمریکا میدانند که محاکمه شامخلوع و جاسوسانش در ایران و در نتیجه بر ملا شدن دسایس شیطانی این کانون توطئه‌چینی، در سراسر جهان و مخصوصاً در میان ملت آمریکا ضربه‌ای بزرگ بر چپ‌اولگرانی است که بر آمریکا حکومت می‌کنند.

یکی از تلاشهای گسترده آمریکا در سطح جهان و مخصوصاً در داخل آمریکا در گروگون جلوه‌دادن انقلاب ایران و زمینه‌سازی برای هر گونه تجاوز به ایران در اذهان عمومی است. این شیوه ایست که در تمام سالهای سرکوب وحشیانه مردم قهرمان ویتنام در آمریکا جریان داشت. آنها با سیستم تبلیغاتی خویش، که در دست صهیونیستها و سازمان سیا آمریکا است، بر افکار مردم حکومت می‌کنند و تنها آنچه‌یاری را ایجاد می‌دهند مردم بدانند که بفتح خودشان باشد. یعنی در دست‌همان شیوه‌ای که در زمان حکومت شامخلوع با راه‌سمائی سیا آمریکا در ایران اعمال می‌شد.

محاکمه جاسوسان آمریکائی در دست در همینجا می‌تواند بیاری ما و دیگر ملت‌های بشتابد که در زیر هجوم تبلیغاتی آمریکا و دستیاران و دست‌نشانده‌هایش از عمق فاجدهای که آمریکا طی دهه‌ها سال در ایران بوجود آورده، بی‌خبر نگاهدشته شده‌اند. فقط در اینصورت است که جهان خواهد دانست که حق چیست و باطل کدام است، جهان خواهد دانست که آیا ما درخواست خود برای بازپس گرفتن شامخلوع، که طبق سند دست‌آمده و افشاده توسط آقای بنی‌صدر، همچنان به‌درازی می‌با کاخ سفید و اشکنک برای درهم کوبیدن انقلاب ایران است، محق هستیم یا آن‌ها که زیر پوشش تبلیغات دروغ‌بین، اذهان عمومی را در کشورهای خویش برای یک قتل‌عام در هم کوبیدن آماده یک‌ملت بها خواسته آماده می‌کنند.

اما همه صحبت بر سر است که: چرا نباید برنامه‌های روشن اقتصادی داشته باشیم؟ اکنون به روشنی می‌بینیم که پس از ۱۵ ماه رنده و وعید در باره واگذاری مسکن به زحمت کتان، هنوز هیچ اقدام اساسی از سوی هیچیک از نهادهایی که برای حل این معضل بزرگ به وجود آمده‌اند، انجام نشده است.

اختلاف و تشتت و سردرگمی در بنیان این نهادها چنان عمیق است، که انسان را به تعجب وامیدارد. شهرداری تهران بنیاد مسکن را متهم می‌کند که برخلاف توصیه امام خمینی، که باید خانه‌سازی را از روستاها آغاز کرد، با تبلیغ درباره واگذاری خانه، سدها هزار نفر را از روستاها به تهران کشیده و مشکلات جدی برای شهر تهران بوجود آورده است.

بنیاد مسکن، وزارت مسکن و شهرداری را متهم می‌کند که کاری برای مردم انجام نداده و هنوز به آن درجه کاری گسه بنیاد مسکن قواست در این مدت یک سال انجام داده، ترمیمه است.» (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۴ فروردین ۵۹)

ضمن آنکه بنیاد مسکن، در بیلان کار یکساله خود، فقط ساختمان ۵۳۳ واحد مسکونی را ذکر کرده است، که ناچیز بودن آن حاجت به توضیح ندارد. (کیهان - ۸ اردیبهشت ۵۹)

مسئول و سرپرست دفتر طرح خرید و واگذاری خانه‌های خالی، بنیاد مسکن را متهم کرده که: «تکلیف ۴۰۰ میلیون تومان پولی که مردم برای کمک به مستضعفان به حساب شماره ۱۰۰ ریخته‌اند، روشن نیست و باید معلوم شود که در کجا خرج شده است.» (اطلاعات - ۹ فروردین ۵۹)

و بنیاد مسکن می‌نالد که بودجه‌اش کم است و قادر به انجام کاری نیست. (جمهوری اسلامی - ۲۵ فروردین ۵۹)

نتیجه وجود چنین هرج‌ومرج تاسف‌باری در نهادهایی که موظف به حل این مسئله می‌باشند، بوده‌اند، آن شده که زحمتکشان یا در بی‌توجهی‌های خود همچنان بسر-برند و یا زیر فشار پرداخت اجاره-بهای سنگین، چکنما، چکنما، ورد زبانشان باشد.

در ماههای آغاز انقلاب، به علت فرار خارجی‌ها و وابستگان به زرم پیشین، بهای مسکن در شمال شهر تنزل یافت. دولت نیز تصمیم به کسر بیست درصد اجاره-بها گرفت. این هر دو، اجاره‌بهای خانه‌های کرامتیت شمال شهر را تنزل داد ولی در مورد خانه-های کوچک و متوسط تأثیری نداشت، بویژه که مقررات پرداخت وام مسکن، بهای این قبیل خانه-ها را افزایش داد و نتیجتاً مستاجران این خانه‌ها، که اقتضای محروم و مستضعف بودند، همچنان مجبور به پرداخت اجاره‌بهای مسافوق استطاعتشان بوده‌اند.

اکنون مجدداً اجاره‌بها به دو دلیل افزایش یافته است: عرضه خانه‌های استیجاری در شمال شهر به حداقل رسیده و صاحبان این گونه خانه‌ها نمی‌خواهند خانه‌های خود را به بهای نازل به اجاره واگذارند و هم می‌ترسند که خانه‌های آنان به تملک مستاجران درآید.

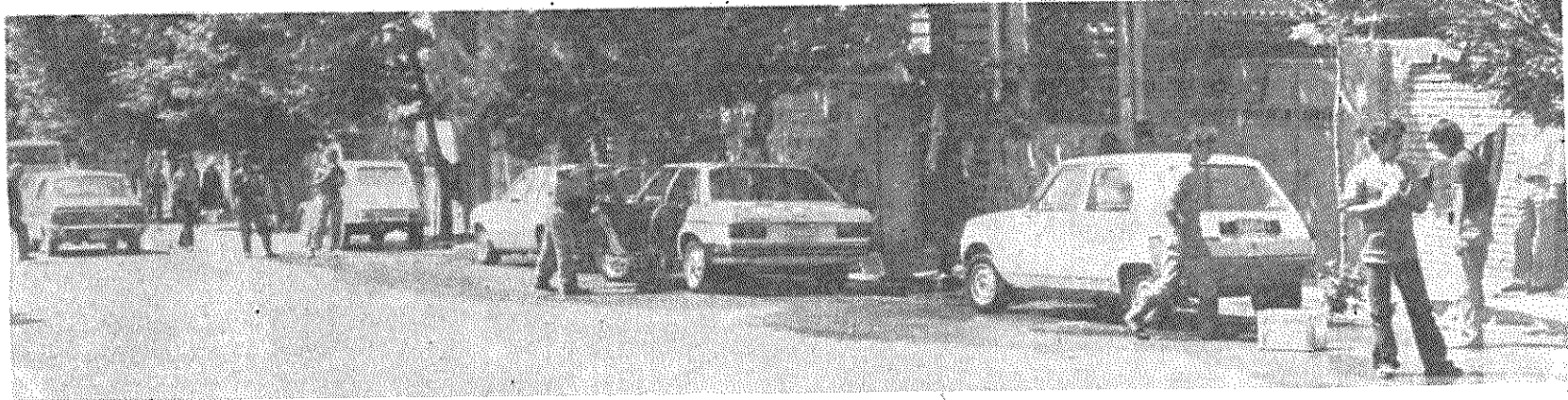
سر بلند کردن ضدانقلاب نیز در افزایش اجاره‌بها تأثیر داشته است. بنوشته برخی روزنامه‌ها، در دوران اخیر اجاره مسکن تا ۳۰ درصد افزایش یافته است. باید قبول کرد که اگر در سال گذشته تقییل اجاره‌بها در شمال شهر، سودی بحال مستاجران نداشت، افزایش اجاره‌بها در شمال شهر، بدون تردید موجب افزایش کرایه مسکن در سراسر تهران خواهد شد و بار سنگینی را که بر دوش زحمتکشان قرار دارد، سنگین تر خواهد کرد.

ما به دولت هشدار می‌دهیم. در شرایطی که بیکاری بیداد می‌کند و گرانی خوراک و پوشاک تهنه‌از گردن زحمت‌کشان کشیده، افزایش کرایه مسکن ناراضی‌ها را تشدید خواهد کرد. باید در راستای تعدیل نارضایتی‌ها کوشید و نه تشدید آن. انقلاب باید بتواند خواستهای توده‌های محروم را برآورده سازد و نه آنکه آنانرا نادیده کند.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

ماشین شوین

چون کار پیدا نمیشود، به ماشین شوئی روی آورده ایم



این صف هر روز طولانی تر میشود.

۱۴ ساعت «ماشین شوئی» برای يك لقمه نان

صف ماشین شوین هر روز طولیتر میشود و گروهی از پیکاران برای پیدا کردن لقمه نانی باین «کار» میپیوندند



دونوجوان ماشین شوی: بازوهائی که باید در خدمت تولید باشند، ولی برای يك لقمه نان پیر میشوند.

است. هیچکس هم بلد نیست. بعد سرش را پایین می اندازد. - از انقلاب چه انتظاری داری؟ - هیچی. موقتی که انقلاب شد، زندان بودم. آن موقع بدبخت بودم، الان هم هستم. در مسافرخانه ای نزدیک میدان غار یا شیبی بازده تومان و لقمه نانی در یک اتاق زندگی می کنم. این زحمتکش تنها امیدشان به انقلاب ایران، انقلاب مستضعفین است. انقلابی که باید برای آنها کار فراهم کند، با هم با تولید به انقلاب خدمت کنند و هم بتوانند زندگی خود را بچرخانند.

نور در خیابان گرگان گرایه کردم، که ماهیانه ۶۰۰ تومان بابت اجاره می بردم. ما سه نفریم من و زنم و مادر بزرگم. - آیا تخصص داری؟ - مکانیکی بلدم. اما کار ندارم. سه چهار هفته مرتب بدلیل کار گشتم، اما به نتیجه ای نرسیدم. راستش باید بگویم که زنم نمیداند من ماشین شوئی می کنم. با او گفته ام که مکانیکم. الان هم تنها انتظارم از انقلاب اینست که برای يك کار جور کند. پول زیادی هم نمیشویم. با ۱۸۰۰ تومان هم می توانم زندگی کنم. سه بار به بنیاد مستضعفین مراجعه کردم. شناسنامه و مدارکم را بردم. آنها هم اسمم را نوشتند، ولی آخر سر گفتند تو باید ۷۰۰۰ تومان پیش-قسط بدی. آخر من از کجا بیاورم؟

رسیدگی کند. مستضعفین واقعی، نه اینکه به پولدارها برسند و ما را فراموش کنند. در این موقع اتومبیلی از راه می رسد. او با عجله ز پیچش می آید و با طرف اتومبیل می رود. چند قدم آن طرف تر، مردی هر چند لحظه قوی حلی این را برآز آب میکند و به خیابان می آید. صورتش آفتاب سوخته اش به عرق نشسته. نفس نفس می زند. پلکهایش هر چند لحظه به آرامی روی هم می افتد. نزدیک می شویم. با ناپاوری لفظی براندازمان می کند و می گوید: - من اهل تهرانم. حدود ۹ سال است اینکاره ام. يك وقتی کمک راننده بودم. مدتی هم سالیج فروشی می کردم. ۱۱ ساله که شاگرد راننده بودم، چند بار تصادف کردم. به خاطر همین ترسیدم و آن کار را کنار گذاشتم و رانندگی در یک هتل گارسون شدم. از این که چیزهای سنگین بلند کردم و بردم که باغ، پاهایم واریس کرد و مجبور شدم آنرا هم بگذارم کنار. بعد از آن یکبار شدم و رو آوردم به ماشین شوئی. - زن و بچه داری؟ - زن دارم، اما مدتها قبل او تصادف کرد و بچه دار نشود. من از این بابت خوشحالم، چون اگر يك نفر دیگر اضافه شود، او هم مثل ما بدبخت می شود. از وضع زندگی مان برای آن بگویم که واقعا دردناک است. يك اتاق

دروم زندگی ترسیده ام. خودم را معرفی نمیکنم. میگوید: «اسمم که مهم نیست، دردم است که می تواند مهم باشد. اهل قزویم. حدود سی سال است که بطور متناوب ماشین شوئی کردم. اوایل کشاورز بودم، ولی پدرم مرد و زمین کوچک او به تعداد بسیاری تقسیم شد. من که پولی نداشتم زمین را آباد کنم، آنرا فروختم.» می پرسد آیا تخصص داری؟ می گوید: «جز کشاورزی نه. فقط بلدم شخم بزنم، درو کنم، همین کارها. وضع زندگی من هم که آنچون... آمی عمیق می کشد و ادامه میدهد: - من اهل تهرانم. حدود ۹ سال است اینکاره ام. يك وقتی کمک راننده بودم. مدتی هم سالیج فروشی می کردم. ۱۱ ساله که شاگرد راننده بودم، چند بار تصادف کردم. به خاطر همین ترسیدم و آن کار را کنار گذاشتم و رانندگی در یک هتل گارسون شدم. از این که چیزهای سنگین بلند کردم و بردم که باغ، پاهایم واریس کرد و مجبور شدم آنرا هم بگذارم کنار. بعد از آن یکبار شدم و رو آوردم به ماشین شوئی. - زن و بچه داری؟ - زن دارم، اما مدتها قبل او تصادف کرد و بچه دار نشود. من از این بابت خوشحالم، چون اگر يك نفر دیگر اضافه شود، او هم مثل ما بدبخت می شود. از وضع زندگی مان برای آن بگویم که واقعا دردناک است. يك اتاق

مجبور شدم تهران بیایم. اما اینجا هم تمام درها به رویم بسته شد و کاری گیر نیامورد. بالاخره از روی ناچاری به این کار روی آوردم. فکر نکنید کار راحتی است. باور کنید که یکی از سخت ترین کارهایی است که می شود کرد. اگر کار درست و حسابی بود، من هیچوقت این کار را نمی کردم.» بعد خودش را معرفی می کند: «اسم حسن استادی است و ادامه میدهد: «۴۷ سال دارم. خانواده ام زیاده اند. من ماه به ماه خرج آنها را می فرستم. اما خوب، وضع کارها به علت های مختلفی مانند سردی هوا، کم مشتری و خیلی چیزهای دیگر مشخص نیست.»

از زندگی هیچ نفهمیده ام، غیر از در بدمی

رویی بی حلی توستی خورده ای، مردی با دستان متورم از آب سرد، با پای برهنه و ترک خورده، با شلوار پلازده تازانو، با چشمانی به حدقه نشسته، نیهوت و حیران به اطراف می نگرد. لحظه ای بعد با او حرف می زنیم: «اسم علی ریعی است. قبل از انقلاب نقاش ساختمان بودم، ولی بعد از انقلاب مثل خیلی های دیگر بیکار شدم. مدتی با قرض و قوه سر کردم، اما دیگر قدرت دادن گرایه خانه رانداشتم. به خاطر همین مجبور شدم از اینجا بلند شوم. بعد از روی ناچاری زلم رفتم ستاد همدان پیش پدرم مادرش و خودم از آن موقع در یکی از مسافرخانه های جنوب شهر شبها راسر می کشم. ۴۵ سال دارم و باید بگویم که حالا از زندگی هیچی نفهمیده ام. همه اش بدبختی و در بدمی، پس انقلابی می خواهم برای ما کاری انجام بدهد.»

در همین موقع یکی دیگر از ماشین شوین وارد صحبت میشود و میگوید: «ما مجبوریم این کار را بکنیم و اگر نه زن و بچه ما از گرسنگی می میرند. من خودم قبلا کار داشتم. توی تاجان کارگر بودم، اما بعد از آنجا بیرونم کردند. آوارم و سرگردانم، مدتهای زیادی بدلیل کار از این دوره آن دردم، اما نتیجه ای نداشتم. بعد از آن

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزبی!
اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این يك وظیفه مبسوم انقلابی است.

به غیر از این انبوه ماشین شوین که بازندگی چند نفر آنها آشنا شدید، متناها هم برای تامین مواد مخدرشان بیکار ماشین شوئی روی می آورند. اما در آمدی ندارند، چون مشتری ها به آنها کارمراجه نمیکنند. یکی از معتمدان اسرار دارد که حرف بزند، چشمانش از حدقه بیرون آمده و سرو وضعش نامرتب است. انگشتان سیاهش می لرزد: «حدود ۴ سال دارم. قبلا در روزی بودم. مدتی زندان بودم. اما ده روز پیش که آزاد شدم، به این کار روی آوردم. خانه ام هم در يك مسافرخانه در کنار راه آهن

جست رو دم بگذارید که خون است. خانه ام در گود لدا می است. فقط اسمش خانه است. دیشب نزدیک بود سقفش روی سر من وزن و بچه ام فرو بریزد. از موقتی که باران شروع شد، سقف خانه ما هم شروع به چکه کرد. خوابمان نمی برد. در اواسط شب تیر چراغ برق روی خانه مان افتاد. هیچ نمونده بود که زیر آوار فله بشوم. من باشانم دیوار را نگه داشتم، تا بقیه برسد و کمک کنند. چطور می گویم؟ هوسر «ملهام» بعد از يك دعوی حسابی قهر کرد و رفت. بچه خر سال هم تا صبح از قفس لرزید.» می پرسد: از انقلاب چه توقعی داری؟ می گوید: دولت باید به بدبخت های واقعی

بدبختی تهران بیایم. اما اینجا هم تمام درها به رویم بسته شد و کاری گیر نیامورد. بالاخره از روی ناچاری به این کار روی آوردم. فکر نکنید کار راحتی است. باور کنید که یکی از سخت ترین کارهایی است که می شود کرد. اگر کار درست و حسابی بود، من هیچوقت این کار را نمی کردم.» بعد خودش را معرفی می کند: «اسم حسن استادی است و ادامه میدهد: «۴۷ سال دارم. خانواده ام زیاده اند. من ماه به ماه خرج آنها را می فرستم. اما خوب، وضع کارها به علت های مختلفی مانند سردی هوا، کم مشتری و خیلی چیزهای دیگر مشخص نیست.»

بدبختی تهران بیایم. اما اینجا هم تمام درها به رویم بسته شد و کاری گیر نیامورد. بالاخره از روی ناچاری به این کار روی آوردم. فکر نکنید کار راحتی است. باور کنید که یکی از سخت ترین کارهایی است که می شود کرد. اگر کار درست و حسابی بود، من هیچوقت این کار را نمی کردم.» بعد خودش را معرفی می کند: «اسم حسن استادی است و ادامه میدهد: «۴۷ سال دارم. خانواده ام زیاده اند. من ماه به ماه خرج آنها را می فرستم. اما خوب، وضع کارها به علت های مختلفی مانند سردی هوا، کم مشتری و خیلی چیزهای دیگر مشخص نیست.»

بدبختی تهران بیایم. اما اینجا هم تمام درها به رویم بسته شد و کاری گیر نیامورد. بالاخره از روی ناچاری به این کار روی آوردم. فکر نکنید کار راحتی است. باور کنید که یکی از سخت ترین کارهایی است که می شود کرد. اگر کار درست و حسابی بود، من هیچوقت این کار را نمی کردم.» بعد خودش را معرفی می کند: «اسم حسن استادی است و ادامه میدهد: «۴۷ سال دارم. خانواده ام زیاده اند. من ماه به ماه خرج آنها را می فرستم. اما خوب، وضع کارها به علت های مختلفی مانند سردی هوا، کم مشتری و خیلی چیزهای دیگر مشخص نیست.»

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

با کارگران معادن یزد...

در ۱۱۰ کیلومتری غرب یزد و در فاصله ۱۳ کیلومتری از جاده خاکی یزد - ابرقو، معدن سرب و زروی آسراپاد، متعلق به شرکت سهامی معدنی پرژام قرار دارد. معدنی که هر گوشه اش تداوی صحنه های رنج، پیکار و استثمار است. معدنی که پینه های دست کارگرانش به قدمت رفاها سهام داران آن است. معدنی با ۸۰ کارگر، با ۸۰ انسان محروم از ابتدایی ترین حقوق خود.



کوه بوری در محیطی تنگ و خاله آلود، زیر هزاران تن سنگ و خاله...

معدن سرب و زروی آسراپاد پیشتر امکانات اولیه زندگی سرور است. تعدادی از کارگران معدن، که از شهر یزد به این منطقه می آیند، فقط یکبار در ماه با خانواده خود در یزد دیدار می کنند. خانه های این گروه از کارگران در محل معدن و در نزدیکی انبار مواد سرب و زروی پناهنده و بی اطاق حداقل محل اسکان کارگر است. اطفاها اکثراً در فصل بارندگی بیز می کنند و از حمام و بهداشت در معدن خبری نیست. کارگران محقر معدن، بدروز

هر گونه تنوع و تفریح، در تنهایی خود می یوسند، و این در حالی است که صاحبان سرمایه در تهران در زیباترین خانه ها مسکن دارند. بای صحت محمود یکی از کارگران می شنیم می گوید: «دسته تشکیلی پوشاک مسوومیت سوپادارم». تمام لباس های سیاه شده است. از خانواده اش می پرسیم می گوید: «دیگر روی خانه رفتن ندارم، پنج ماهه که نه دست زدی داریم و نه نان برای خوردن.»

حیون، یکی دیگر از کارگران، می گوید: «پنج ماه کار فرما حقوق نداد و همین علت بستم را، که مریض بود، نتوانستم بدست ببرم. تا اینکه مرد. حالا باز ۲ ماه است که حقوق عقب افتاده.»

اخط توی چشمش موج میزند. با شروع موج بزرگ انقلاب یعنی شهریور ۱۳۵۷، کار فرما با انواع حیلها ازدادن دستمزد بکارگران خودداری کرد و هر چند ماه با بهانه های توانست از دولت وام بگیرد و بکارگران بپردازد. عدم پرداخت دستمزد بکارگران در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ چند بار باعث تصن و اعتراض شدید کارگران به اداره کار و امور اجتماعی و استانداری یزد شد، و هر بار کار فرما توانسته با استفاده از همین شرایط، وامی از دولت بگیرد و مقداری از دستمزد کارگران را پرداخت کند، هر چند که چگونگی خرج کسل وام

مشخص نیست. همای کار دیگری است که در خردادماه ۱۳۵۸ دست راستی را در معدن از دست داده می گوید: «۳ سال است در این شرکت کار می کنم. از آسفالتمازی تا کوه گردی و پیدا کردن معدن و حالا دیگر دست ندارم. با یک خانواده ۱۰ نفری. کار فرما هم گویا اسلام را نمی شناسد!» دست راستی قطع شده است. جای دیگری نمیتواند کار کند. از یکی از کارگران می پرسیم: چه مدت است که کار فرما را ندیده ای؟ می گوید: «کار فرما فقط موقع فروش ماده معدنی می آید. روزی بدهد که اینجا ماهیانه ۳۰۰۰۰۰ تن زروی و زردی، ۲۰ تن سرب داشته، حقوق روزانه ما آن موقع روزی ۱۲۰۰۰ ریال بود. من نمی دانم قیمت اینها که کفتم چنده، ولی هر بار، کار فرما موقع فروش می آمد و می گفت معدن ضرور داره! نمی دانم با اینهمه ضرر چرا اینهمه سال مانده؟»

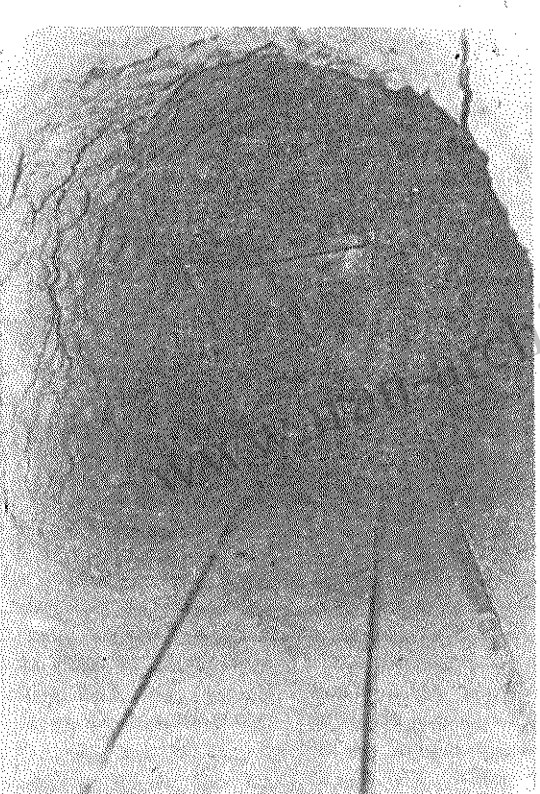
در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۸، جهاد سازندگی استان یزد، با توجه به وضع فلاکت بار کارگران و عدم رسیدگی کار فرما و بنا بر حکم آیت الله صدوقی، تعدادی از معادن یزد را ملی شده اعلام کرد و زیر نظر جهاد سازندگی استان یزد قرار داد. خارج از پادرای اشکالات جزئی، که در این عدم تجربه گروه جهاد سازندگی بوجود آمد، این امید وجود داشت که

دست کار فرما و سهامداران شرکت از معدن کوتاه شود و امید میرفت که جهاد سازندگی قادر باشد بر این استثمار پر حاشیه پایانی بگذارد. ولی متأسفانه پس از چندی کار فرما توانست نظر وزارت صنایع و مسادن را جلب کند، تا فردی را به نظارت در امور شرکت در یزد بکارند. باین وسیله شرکت قصد داشت با فروش محصولات معدن مسادن همچنان چون بختک بر این منطقه تسلط داشته باشد. در ابتدای امر جهاد سازندگی از قبول این پیشنهاد سر باز زد. با این استدلال که معادن طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملی است و این معادن باید مستقیماً زیر پوشش و مالکیت حکومت اسلامی ایران قرار بگیرد. اگر هدف از ملی شدن تنها نظارت بر کارشکتها باشد که در قدیم همین نظارت صورت میگرفت و چه با صحنه سازی ها و دفتر هزینه تشکیل دادن ها که در شرکت های سهامی بوجود آمد، برای فراد انما لیات. و این کار همچنان میتواند ادامه پیدا کند. و این بار برای فراد از پرداخت حق کارگران و بصرای فراد از پرداخت حق ملت.

در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۸، جهاد سازندگی استان یزد، با توجه به وضع فلاکت بار کارگران و عدم رسیدگی کار فرما و بنا بر حکم آیت الله صدوقی، تعدادی از معادن یزد را ملی شده اعلام کرد و زیر نظر جهاد سازندگی استان یزد قرار داد. خارج از پادرای اشکالات جزئی، که در این عدم تجربه گروه جهاد سازندگی بوجود آمد، این امید وجود داشت که



توان فرساست، ولی کار همیشه است!



تنها با خطر... ریزش خوارها سنگ را لاقسل چوب پستی مانع نیست!

یزد مراجعت کرد، اظهار می داشت که پولی برای پرداخت حقوق معوقه و پاداش سالیانه وعیدی کارگران در ساط نداد و بسایند منتظر وام جدید نشست. این شخص مدعی بود که مستقیماً از طرف وزارت صنایع و مسادن بصرای اداره معادن آمده است، ولی این اظهارات بنظر متقاضی می رسد، چون اگر وزارت صنایع و معادن مستقیماً مسادن را اداره کند، بالطبع حقوق و مزایای کارگران در تمام معادن و کارخانه های ملی شده این حقوق و مزایا توسط دولت پرداخت می شود، و اگر همچنان ناظر بر کارشکت معدنی پرژام باشد، پس همچون محافظی برای جلوگیری از آسیب پذیری مالکین بکار می آید. آنچه مسلماً می توان دید، سایه شرکت پرژام است، که همچنان بدنبال این شخص کشیده می شود.

کارگران همچنان با فقر دست و پکر بیاند و کار فرما همچنان بر خر مراد سوار، با این تفاوت که کار فرما سهری پیدا کرده زیر پوشش وزارت صنایع و معادن، اگر تا چندماه گذشته کارگران میدانستند از کی و کدام شرکت شکایت کنند و برای دریافت حقوق خود باید به

اخبار کارگری

معدنکاران ناحیه «گر مابدر» و مشکلاتشان

در شمال تهران و در میان کوه های البرز، معدن ذغال سنگ ریادی وجود دارد که بجز معدن شمشک و گانجره و اخیانا یکی دو نای دیگر بقیه همگی خصوصی و از نظر حجم استخراج و وسعت معدن نسبتاً کوچکند.

اکثر این معادن متروکه هستند و بجز چند تایی بقیه ضالیتی ندارند. یکی از معادن دایر در ناحیه «گر مابدر» (بالتر از قسم) قرار دارد. ذغالهای استخراج شده از این معدن، که روزانه در حدود گنجایش یک دامیون کبوسری (۱۰ الی ۱۵ تن) است (البته این مقدار است که از منطقه خارج میشود، والا میزان استخراج روزانه مشخص نیست) برای استفاده سوخت کوره های آجر پزی قرچک به ورامین منتقل میشود. این ذغالها را متناسب با جنس آن تن ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ ریال می فروشند.

در معدن مذکور تنها ۱۰ کارگر کار میکنند، که این تعداد متناسب با حجم کسار و میزان استخراج زیادتر میشود. کارگران حسگی اهل آذربایجان اند و تنها ۶ ماه از سال را در این منطقه کار میکنند و بقیه مدت را به زادگاه خود بازمیگردند و افرادی دیگر جای آنها را میگیرند.

مزد روزانه معدنچیان که در قسمت بیرون (بارگیری - موتورخانه و...) کار میکنند ۷۰۰ ریال است، اما این دستمزد برای آنهایی که در داخل، یعنی در تونل کار میکنند، ۱۰۰۰ الی ۱۳۰۰ ریال است.

استخراج کنندگان معمولاً بصورت کثرتی کار میکنند و در ازای ۱۰ متر مکعب استخراج (شامل کوهسری، آتشیاری، حمل و نقل با واگن، چوب بست و...) که ۲ روز طول میکشد، ۵۵۰۰ ریال دستمزد می گیرند.

این معدن دارای دو کارگاه استخراج است که در هر کارگاه ۳ نفر کار میکنند. معدنکاران این معدن، بجز دریافت همین دستمزد ناچیز و استفاده از خانه های متروکه معدن های قدیمی، تقریباً از هیچگونه مزایای قانونی کار برخوردار نیستند و از رعایت بهداشت و حفاظت محیط کار در این معدن، که کار فرما موظف به ایجاد آن است، خبری نیست، مثلاً:

این زحمتکشان فاقد حتی کمکهای اولیه پزشکی در منطقه هستند و اگر حادثه ای برایشان رخ دهد، میبایستی منتظر ماشین همانند تا با آن به گر مابدر بروند. ماسکی که معمولاً معدنکاران برای جلوگیری از استنشاق هوای کثیف و آلوده به گرد فلز آن استفاده میکنند، در اینجا اصلاً پیدا نمیشود.

علاوه بر اینها، تقریباً تمام معدنکاران و حتی خود کار فرما نیز میدانند که استفاده از اجزای کاریت، که دارای شعله هستند، برای روشنایی معدن ذغال سنگ، بطلت وجود گاز متان اکیدا ممنوع است، در حالی که نمونه هایی از استفاده اینگونه چراغها توسط کارگران مشاهده شده است.

زندگی این زحمتکشان به نایب دردناک و اسفناکنیز است. آنها به امید جمع آوری پول بیشتر و ارسال آن برای خانواده خود، تقریباً تمامی چند ماه را بدون وقفه و بدون استفاده از تعطیلی بکار میپردازند.

از آنجا که هیچگونه دلخوشی و مسرگرمی در منطقه نیست و کارگران نیز بندرت بشیر میروند، مجبورند که غیر از ساعات کار روزانه، بقیه وقت خود را نیز اضافه کاری کنند. بصر حال آنچه که میتوان درباره وضع این زحمتکشان گفت، این است که: آنها تنها کار میکنند و کار. بدون کوچکترین بهره ای از مواهب زندگانی.

توال و دستوشی با اندازه کافی وجود ندارد. سهامداران معدن همان سهامداران شرکت سهامی معدنی پرژام (و شرکت سهامی ساختمان پرژام) هستند که اینبار نام شهر را بر خود نهاده اند. کلیه مسائل حقوقی و مسائلی که درباره جهاد سازندگی و وزارت صنایع و معادن در مورد معدن امر آباد گفته شد، در مورد این معدن نیز صادق است.

یکبار با خانواده خود دیدار ندارند. نزدیک ترین آبادی بمعدن در ۲۰ کیلومتری آن قرار دارد. معدن فاقد وسائل اولیه بهداشت و درمان و زندگی است. کارگران در اطرافهای کوچکی زندگی میکنند که هر اطاق مخصوص حداقل سه نفر است. در محیط معدن حتی

تأمین کار برای کارگران پیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تنها چاره زحمتکشانش اتحاد است

از دهات فارس میگذرد، در منطقه گوار وارد باغ اناری فارس میشود. در اینجا میبینی که نزدیک به ۴۰ نفر از روستاییان باغ اناری کوار، در زمان اصلاحات ارضی شاهانه، هر یک فقط یک هکتار زمین خریده‌اند. اینها میکنند که خواهان تقسیم زمین مالک بزرگ هستند، که نزدیک به ۲۶۰ هکتار زمین دارد. این روستاییان درددل میگردند که تا چندی پیش از اقترب همزمان مجبور بوده‌اند بافت سفته‌هایی که در زمان برای یک هکتار زمین داشته‌اند، پول پرداخت کنند و به برکت

از ۱۵ سرمایه دارند و میگویند مالک در شرایط فعلی مملکت، که احتیاج به محصول است، بیش از ۳۰ هکتار زمین کشت نکرده است. یکی از روستاییان کسه ضرورت وحدت همه روستاییان را در مسأله مختلف جهت تحقق مبارزه‌ای کدهقانان

ایران در پیش دارند، بخوبی درک کرده بود، روستایی دیگری را، که اهل ده شیخ بود و او نیز از همان مالک بزرگ شکایت داشت، دعوت به مبارزه‌ای مشترک میکرد و میگفت، شما از ده شیخ شروع کنید، ما از کوار!

روستاییان هر یک پیش از پرداخت آنها خودداری کرده‌اند. یکی از روستاییان با خشم میگفت، «ما میخواهیم بوسیله قانون مالک را متضییع کنیم والا همین حالا هم مالک جرئت ندارد پاروی زمین بگذارد.»

روستاییان هر یک پیش از پرداخت آنها خودداری کرده‌اند. یکی از روستاییان با خشم میگفت، «ما میخواهیم بوسیله قانون مالک را متضییع کنیم والا همین حالا هم مالک جرئت ندارد پاروی زمین بگذارد.»

فرآورده‌های کشاورزی امسال را باید نجات داد

دهقانان آسان کشت نکردند

در آرد و چهارمین نفر - دجان آغا، زنی روستایی را فقط به این «درم» در خون خود فلان که مردان در با یک میخواند. در روزنامه به سادگی میخواند که این چند نفر به این سبب بدست مزدور بزرگ مالک کشته شدند که در کشت زمینهای «ارباب» پیشقدم بودند.

سراسر سال چنین بود و اکنون نیز چنین است. چه بسیار دهقانان به «درم»هایی از این قبیل، که حق خود را طلبیدند، دادخواهی کردند، زمین فسی خود را خواستند، زمین چندساله بایر و بدون کشت را شخم زدند، برای احقاق حق به تصدیر راهمجامی و تقلم پرداختند، از محصول خود مراقبت کردند، شورا تشکیل دادند، به سازمانهای دولتی و مراجع انقلابی مراجعه کردند، کمک گرفتند و پولی جمع کردند و بندو کود فراهم کردند، یا چاهی زدند، تراکتوری به کرایه گرفتند، و حتی به «درم» آن که فستق درده مانده، که جای برای رفتن نداشته ... اماچ تیر بالا شدند، سر به نیست شدند!

این واقعت بود که نه تنها دهقانان و زمین داران بزرگ و دستیاران آنها، شبانه روستاها - خانه‌های دهقانان را محاصره کردند، در تاریکی به تیراندازی و قتل عام پرداختند، سوختند و بران ساختند و هر چه یافتند، بردند، کم اتفاق نیفتاده است. این موجودات پست و پلید خرمن هستی دهقانان را به آتش میکشیدند و خانه‌ها را بر سرشان میکوبیدند. تا مگر در روستاها تخم‌پای و ترس و هراس اندکی نباشد و به غارتگری جنایتکارانه خود بازم ادامه دهند، و این جنایت همزمان ادامه دارد. خرمن سوزی امسال هم شروع شد. شمله‌های سرخ خرمن از کشتزارهای جنوب، از گنجه‌های تازه رسیده دشتستان زبانه کشید. تحفوشم ضد انقلاب از توبه بازار آمد.

دهقانان زحمتکش ایران کشت امسال را آسان بدست نیاوردند. در سراسر پاییز و زمستان گذشته، دهقانان همانطوریکه با گراز و مار و گرگها میجنگیدند، با صاحب جنایتکار زمین در افتادند، تا آنکه زمین بدست آوردند، آنرا شخم بزنند و در آن شخم بکارند.

این جنگ، جنگ زندگی با مرگ، جنگ انسان با دیو - باعمال شیطان بزرگ - هنوز هم ادامه دارد. در یک سو دهقانان ستم‌دیده و گرسنه‌ای با خاسته‌اند که برای زیستن و زندگی ماندن چاره‌ای ندارند جز آنکه زمین را بکارند و از این راه کشور را بدست خود کفای رسانند و پایهای استقلال ایران را استوارتر و محکمتر کنند. در سوی دیگر اربابان، بزرگ مالکان، خانها، بیگها، شیوخ، سردارها، سرمایه‌داران بزرگ ارضی و دستیاران کوچک و بزرگ آنها کین کرده‌اند، که اگر زمین مال آنها نباشد، نمیخواهند و نمیگذارند حتی یک وجب از خاک ایران کشت شود. آنها میکوشند از این راه دهقانان را در بیچارگی و فقر فرو آورند و آرزو دارند گرسنگی و قحطی ستم‌های انقلاب را به لرزه افکند و ضد انقلاب را به کرسی نشاند.

سراسر پاییز و زمستان سال گذشته، فصل کشت پاییز و زمستانه، وضع بدین منوال بود و هنوز هم هست. همچنین حکایت از آن میکند که طی این مدت، بزرگ مالکان و سرمایه‌داران بزرگ ارضی و دستیاران آنان با تلاش حیوانی و توطئه‌های جنین خود کوشیدند تا دهقانان را به ستوه آورند، کشت را ناود سازند و سلطه جا بر آن خود را شوم و جنایتبارتر برقرار کنند.

یکی از تازه ترین اخبار از روستای «قولوتوق» نزدیک شیروان است. سرالیه بهادران، گروهیان اخراجی ارتش، سه مرد دهقان را روز روشن با گلوله‌های پیاپی از پای

دهقانان آسان کشت را به ثمر نمی‌رسانند

ندادند و اعضای فداکار آنها در بیابان کشتند.

این شیاطین، «الباس روحانی»، «انقلابی» و «آزادیخواهی» دهقانان حق طلب را کوبیدند و هنوز هم میکوبند. این انگلها حتی از سوانح طبیعی سزلزل و سیل - بفق خود و به زیان زحمتکشان سودجویی کردند، علوفه دامداران را بردند و گوسفندان گرسنه خانواده‌های فقیر و مستعدینه را به یکدم قیمت از چنگشان درب آوردند و در موارید با سوءاستفاده از آشفتگیها و درماندگیها، مراتع دامداران را صاحب شدند.

در چنین نبرد سهمگین زندگی و مرگ بود که، گروهی از دهقانان زحمتکش و سخت کوش توانستند در این یسا آن روستا به قطعه زمینی دست یابند. در بهیچوجه جنگ و ستیزی بود که، کشت پاییز و زمستان، به مراتب بیش از سالهای طاقت، اجرا شد.

درگیر و در چنین جنگ حیاتی بود که

دهقانان گرسنه و بی‌زمین، به زمین دست می‌یافتند، با چنگ و دندان زمین را شخم می‌زدند و بذر در آن می‌پاشیدند و تازه، در این مرحله از تلاش خستگی ناپذیر این قهرمانان بی‌تا و نشان بود که، دوران جدیدی از کارشکنی‌ها، پستی‌ها و جنایتها شروع شد. دشمنان سوگند خورده دهقانان زحمتکش تا آنجا که توانستند هر چه از وسایل کشاورزی، از تراکتور و موتور پمپ و مانند آن بود، یا شکستند و ضایع کردند، یا بزدند و پنهان ساختند. تا آنجا که مقدورشان بود آب را بروی زمینهای کشت شده بستند، بذر و کود و سموم گیاهی و دامی را احتکار کردند، یا زمین‌ها بردند و با استفاده از راههایی که میدانستند، از دادن وام دولت به این دهقانان جلوگیری کردند. کارواحت چندان دامنه یافت که در بسیاری از روستاها سپاه پاسداران را از ده راندند، پاسداران محلی و دزد آشنا را تمویض کردند، بر ضد آنها به تحریک و تشویق و تبلیغ سوء پرداختند، افسراد شریف و دلخواه سازندگی را به ده راه روبرو می‌شوند.

یکسال و اندی از انقلاب گذشته است؛ ولی هنوز سرفروش مجتمع باغداری و گاوآبادی شرکت معلوم نشده است. دهقانان مسرانه از مقامات مسئول می‌خواهند که به خواست‌های آنان توجه و رسیدگی کنند.

خواسته‌های دهقانان را می‌توان منجمله از این راهها بر آورده ساخت:

- ۱- تعیین تکلیف مجتمع دامداری به نفع اقتصاد کشور و کشاورزان. این کار می‌تواند توسط یک واحد دولتی که در اختیار وزارت کشاورزی باشد، یا توسط واحد تعاونی خود دهقانان انجام پذیرد.
- ۲- جلوگیری از فروش ماشین آلات کشاورزی و واگذاری آنها به جمع کشاورزان بر اساس کار تعاونی اینها.
- ۳- تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق از اداره کشاورزی و پایه گذاری نظام اداری بر اساس خدمت به منافع انقلاب و توده زحمتکش.
- ۴- رسیدگی به مسئله آبیاری و آبرسانی اراضی شرکت و لایروبی چاهها برای تامین آب زراعی.
- ۵- کمک به ایجاد تعاونی واقعی که بسود دهقانان عمل می‌کند و درست نقطه مقابل شرکتی است فرموده باشد. در این تعاونیها دهقانان همکاری و تشریک مساعی خواهند کرد و کمکهای سازمانی و اداری و مالی و فنی دولت نیز باید برخوردار شوند.

چماق‌داران زمیندار بزرگ و فئودال غارتگر اسماعیل کلا، روستاییان را مجروح ساختند

بدنیال مسدوده حدود ۱۰۰ هکتار از زمینهای دو زمیندار بزرگ در روستای اسماعیل کلا، از توابع جویبار قائمشهر، توسط دهقانان بی‌زمین و کزیمین، عمال مزدوران زمینداران به روستاییان هنگام کشت زمین و شیار کردن حمله می‌کنند و ۱۵ نفر از آنها را بشدت مجروح می‌سازند.

روز دوشنبه ۱۸/۹/۵۹، عمده‌ای در حدود ۱۵۰ نفر از دهقانان روستای اسماعیل کلا، در محل دادگاه انقلاب اسلامی قائمشهر اجتماع میکنند و از دادگاه خواستار رسیدگی بوضع خود می‌شوند و همچنین از دادگاه می‌خواهند که فئودالیهای مرتجع را به مجازات اعمالشان برسانند.

ضمناً در روز اجتماع دهقانان در دادگاه قائمشهر، عمده‌ای از ایاد ای این زمینداران بزرگ در داخل دادگاه تیر با چاقو و مشت و لگد به چندتن از دهقانان شاکی حمله ور میشوند و آنها را شدیداً مضروب می‌سازند. دهقانان حاضر در دادگاه شکایت دیگری تسلیم دادگاه میکنند و به عدم توجه سوئدین دادگاه به این امر نیز اعتراض میکنند.

یورش و توطئه فئودالها و زمینداران بزرگ علیه جان و مال دهقانان زحمتکش تمامی ندارد. حوادثی که در روستاهای اسی نقاط کشور میگذرد، نشانگر تشدید مبارزه فئودالها و زمینداران علیه خواستهای بحق دهقانان تبیین است. زمینداران بزرگ با چنگ و دندان از منافع طبقاتی خود دفاع میکنند و برای ادامه سلطه شیطانی خود ازبای نمی‌نشینند.

انقلاب شکوهمند ما نشان داده است که جامعه ایران دیگر نمیتواند بر اساس روابط تولیدی مکتب بر منافع استثمارگرانه سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم اداره شود. ندای دهقانان برای دریافت زمین ندادنی است که از بن و خصلت انقلاب برمیخیزد. باید به این ندا هر چه زودتر، با اجرای قاطع قانون اصلاحات ارضی، پاسخ مثبت داد تا در راستای انقلاب باقی ماند و ریشه هر گونه تشنج آفرینی را خشکانند.

دهقانان «خاصان» زمینهای شرکت سهامی زراعی را این خود تقسیم کردند

روستای خاصان در بخش اسکوی تبریز قرار دارد. در این روستا ۱۲۰ خانوار زندگی می‌کنند. اهالی این روستا، بعد از اصلاحات ارضی ملوکانه، اراضی مزروعی را با اقساط ۱۵ ساله از دولت خریده بودند، که با تشکیل شرکت سهامی زراعی این املاک عملاً از دستشان خارج گردید.

این شرکت کارش را در سه مرحله، یعنی کشاورزی، باغداری و دامداری آغاز کرد و قرار بود که دهقانان نسبت به سهم زمینی که داده‌اند، از درآمد شرکت بهره‌مند شوند. ولی سیاست ضددهقانی رژیم طاغوت از یک طرف و زودبندی زمینداران بزرگ از طرف دیگر، در عمل چیزی جز رنج و زحمت برای دهقانان بهرمان نداشت. سرپرست این شرکت، که بخاطر خوش خدمتی‌اش در دستگاه رژیم مخلوع، به سرپرستی شرکت سهامی زراعی آذربایجان ارتقاء یافته بود، اکنون نیز مدیر کل اداره کشاورزی و عمران روستایی آذربایجان شرقی است. وی در آن هنگام روستاییان را اذیت و تهدید می‌کرد و در آنرا آزار و اذیت همین شخص چند نفر مجبور به ترک ده شدند.

رژیم سرتکون شده از شرکت مزبور علیه دهقانان استفاده می‌کرد و مخالف جهت کشاورزان بطور کلی با کرد در این شرکت طاغوتی و مخالف بودند.

بعد از پیروزی انقلاب، اهالی روستا تصمیم می‌گیرند زمینهای تحت کشت شرکت را بین خود تقسیم کنند و این کار را نیز بکنند. دهقانان متعدد ده به انجام می‌رسانند و سپس برای رسیدگی به وضع باغ و مجتمع دامداری و همچنین تصفیه افراد وابسته به رژیم گذشته، یک هیئت ۵ نفری انتخاب میکنند. ولی نمایندگان دهقانان پس از مراجعه به وزارت کشاورزی، با وعده و وعیدهای مدیر کل اداره کشاورزی آذربایجان شرقی رئیس سابق شرکت روبرو می‌شوند.

یکسال و اندی از انقلاب گذشته است؛ ولی هنوز سرفروش مجتمع باغداری و گاوآبادی شرکت معلوم نشده است. دهقانان مسرانه از مقامات مسئول می‌خواهند که به خواست‌های آنان توجه و رسیدگی کنند.

خواسته‌های دهقانان را می‌توان منجمله از این راهها بر آورده ساخت:

- ۱- تعیین تکلیف مجتمع دامداری به نفع اقتصاد کشور و کشاورزان. این کار می‌تواند توسط یک واحد دولتی که در اختیار وزارت کشاورزی باشد، یا توسط واحد تعاونی خود دهقانان انجام پذیرد.
- ۲- جلوگیری از فروش ماشین آلات کشاورزی و واگذاری آنها به جمع کشاورزان بر اساس کار تعاونی اینها.
- ۳- تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق از اداره کشاورزی و پایه گذاری نظام اداری بر اساس خدمت به منافع انقلاب و توده زحمتکش.
- ۴- رسیدگی به مسئله آبیاری و آبرسانی اراضی شرکت و لایروبی چاهها برای تامین آب زراعی.
- ۵- کمک به ایجاد تعاونی واقعی که بسود دهقانان عمل می‌کند و درست نقطه مقابل شرکتی است فرموده باشد. در این تعاونیها دهقانان همکاری و تشریک مساعی خواهند کرد و کمکهای سازمانی و اداری و مالی و فنی دولت نیز باید برخوردار شوند.

استاد رضا صفهانی:

بخدا سر نوشت این انقلاب بستگی به حل مسئله ارضی دارد و شما برادرها خیلی این طرف و آن طرف رفتید و توی شهرها و دهات مختلف این حالت مستعفانه اکثریت قریب به اتفاق مردم را لمس کرده‌اید. شما می‌دانید که آنها در چه حالی هستند، من گاهی فکر می‌کنم و ببخود می‌گویم واقفاً این کشاورزها بصورت هستند، خیلی تحمل دارند.

از سخنان استاد رضا صفهانی در جمع سپه پاسداران (صبح آزادگان، ۲۲/۹/۵۹)

اخبار دهقانی

دست انحصارگران کوتاه!

روستای ده بید همایون اردکانی در نزدیکی اردکان قرار دارد. در این روستا مالکی صاحب یک باغ ۴۰ هکتاری است. وی در سال ۱۳۴۱، با کمک عوامل خود یک قنات را بطور کامل در اختیار خویش گرفت و تمام آنرا برای آبادانی باغ خود مصرف می‌کند. در این روستا ۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند، که این عده برای اسرار ممان خود از چند جوی کوچک برای آبیاری باغهای کوچک خود استفاده می‌کنند. در اطراف این روستا زمین‌های بایر وجود دارد، که با کشت آنها هم سطح برداشت محصول بیشتر می‌شود و هم احتیاجات شهرهای اطراف تامین میگردد. ولی کشت این زمینها احتیاج به آب قنات نامبرده دارد، منتھی با انحصار آب در دست این باغدار، امکانی برای آبیاری زمینها نیست.

انحصاری این مالک عملاً منجر به محام و باطل ماندن مقدار زیادی از زمینهای قابل کشت شده است. باید هر چه زودتر این انحصاری که خسارات زیادی به اقتصاد این ده می‌زند، برچیده شود. راه آن جمعی کردن مالکیت اهالی بر قنات است، تا کثایش حاصل شود و کشت زمینها بدست دهقانان تبه دست مقدور گردد.

چهار ساعت زندان در ازاء سالها نرولخواری

بعد از انقلاب، اهالی زحمتکش ارسنجان علیه سرفروشی نرولخوار منطقه بدادگاه انقلاب شکایت کردند. این نرولخوار سالها شیره جان روستاییان و زحمتکشان ارسنجان را مکیده و از آنها لاشه‌ای باخوارها به کفاری باقی گذاشته است. اهالی اخیراً علیه این نرولخوار بدادگاه انقلاب شکایت کردند. دادگاه انقلاب حکم بازداشت نرولخوار را صادر کرد، ولی بعد از چهار ساعت بازداشت دستهای او را آزاد میکنند!

در حالیکه اکنون ضرورت حیاتی دارد که کلیه اصل فرغ بدی دهقانان نرولخوار و اموالی که اینگونه فارتگران به جیب زده‌اند، بصرف احیاء کشاورزی برسد.

فقر را ریشه کن کنید و زندگی را شکوفا!

روز جمعه ۲۹ فروردین ماه، یک دانش آموز سال سوم انسانی دبیرستان پسرانه امیر کبیر، بنام محمد فتحی، اصل دهکده توشای گوران، از کوه‌های کرد خرب سقوط کرد و مرد.

این دانش آموز دهقان زاده‌ای فقیر بود، که برای گذران زندگی خود و ادامه تحصیل، برای تهیه گیاه «بره‌زا» به کوه‌های کسرد میرفت و از فروش این گیاه، مخارج زندگی و تحصیل خود را فراهم می‌کرد.

مرگ این دانش آموز اولین و شاید آخرین مرگ زودرس ناشی از فقر نیست.

در سالهای سیادت رژیم ضد خلقی شاه مخلوع، صدها نفر از کودکان و جوانان روستایی و دهقان زاده‌های کشور ما در کوه‌ها و کنار کشور بملت فقر می‌میرند. در زمانی که این دانش آموز روستا زاده مهابادی در خانه یاد مدرسه یا قرائت‌خانه مشغول تحصیل و مطالعه کتب خود باشد، مجبور بود برای کسب لقمه نانی سر به کوهها بزند هر گونه خطری را بپایان بخرد.

با تامین رفاه خانواده‌های روستایی، زمینها را آماده کنیم تا استفاده‌ها شکوفا شوند، نگذاریم فقر آنها را بر پر کند.

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شده. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه‌ها، باین راه میروند

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اعلامیه حزب توده ایران - سازمان بهشهر درباره حملات عوامل ضد انقلاب

به دنبال حمله مکرر عوامل ضد انقلاب به دفتر حزب توده ایران در شهرستان بهشهر، سازمان حزبی در این شهرستان، ضمن صدور اعلامیه‌ای، حمله به دفتر حزب توده ایران را محکوم کرد و خواستار مجازات گردانندگان این گروه و قایم شد. در این اعلامیه که در ارتباط با آخرین حمله این عوامل به دفتر حزب توده ایران صادر شده، آمده است:

در شرایط حساس کنونی که آمریکای جنایتکار، دشمن اصلی مردم ایران، میهن انقلابی ما را در محاصره اقتصادی قرار داده و بلندگوهای کشورهای امپریالیستی متحداً علیه انقلاب شکوهمند ما دست به تبلیغات دامنه‌داری زده‌اند و رژیم جنایت‌پیشه بهت عراق مرزهای ما را به آشوب میکشد و عوامل رژیم گذشته و ضد انقلاب داخلی با تمام قوا میکوشند تا صفت متحد مردم را پاره کنند و به شیطان بزرگ آمریکا جفا نینوراداری رسانند، تفرقه افکنان با افعال خود در چنین شرایطی دشمن را شاد و به اتحاد مردم لطمه میزنند.

در این اعلامیه دعوت به حمله به دفتر حزب توده ایران در بهشهر آمده است:

در روز دوشنبه ۵۹/۲/۱۵، پس از پایان سخنرانی فخرالدین حجازی، عمده‌ای از عناصر نا آگاه و پستی‌خیز ضد انقلاب به دفتر نامه «مردم» و کتاخوری که بسته بود، حمله کردند و ضمن شکستن قفل و در آن، کلیه مستویات، اعم از کتب و نشریات و میز و صندلی و شیشه‌ها را مدموم ساخته و مفاد بردند و خسارات زیادی وارد کردند آنها سپس به دفتر انجمن جوانان حمله بردند.

در دنباله اعلامیه اضافه شده است:

ما ضمن اعتراض شدید باین افعال ضد انقلابی میسریم که جلوگیری از این افعال ضد انقلابی مربوط به کیست؟ آیا افعال ضد انقلابی آشکارا نقض رهنمودهای امام و دستور رئیس جمهور نیست؟

آیا افعال ضد انقلابی در شرایط کنونی بسود آمریکانست؟ در خاتمه اعلامیه آمده است:

ما از مقامات فرمانداری و دادستانی انقلاب اسلامی و مسئول سپاه پاسداران مصراحت می‌خواهیم که این افعال ضد انقلابی را هر چه زودتر محکوم کنند و در صدد دستگیری بر نامه‌ریزان و محرکین این خرابکاری بر آیند و خسارات وارده را جبران کنند.



ضد انقلاب، از دفتر حزب توده ایران در شهرستان بهشهر، ویرانه‌ای به جا گذاشت...

تفتیش عقاید در وزارت بهداری

مسئولین وزارت بهداری، ساواکی‌ها را به دلیل آنکه قبلاً «تمهید سربده‌اند» (۱) در این وزارت‌خانه استخدام کردند! به دنبال تصمیم وزارت بهداری مبنی بر استخدام گروهی از لیسانس‌های های بهداشت عمومی و بهداشت مدارس، تعدادی متقاضی به وزارت بهداری مراجعه کردند. برای امتحان از این داوطلبین، هیئتی از پزشکان انتخاب شدند و ولی پیش از آن که این هیأت کار خود را شروع کند، یکی از معاونین وزارت بهداری از آن‌ها خواست

که سوالات را طوری طرح کنند که بتوان از استخدام و چینی‌ها خود - داری کرد. خوشبختانه هیئت متحین از تفتیش عقاید خودداری کرد و تنها با در نظر گرفتن معلومات بهداشتی ۸۰ نفر را انتخاب کرد. اسامی این ۸۰ نفر به دفتر معاون فوق‌الذکر داده شد، ولی لیست قطعی که بعداً اعلام شد با لیست هیئت مستحق تفاوت داشت. پس از تحقیق روشن شد که لیست جدید بر مبنای حذف کسانی که به آن‌ها ظن چینی بودن می‌رفته، تهیه شده است.

درجهان سوسیالیسم

کشاورزی رشد یافته در چکسلواکی

در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی، محصول غله به نسبت هر هکتار، که در سالهای نخستین پس از جنگ ۱/۴ تن بود، اکنون به ۳ تن رسیده است. در همین مدت، میانگین شیر گاو از ۱۳۰۰ به ۳۰۰۰ لیتر در سال افزایش یافته است. کشاورزی چکسلواکی نیاز داخلی شیر، کره، تخم مرغ، طیور و تاحدی، گوشت را بکلی تأمین میکند. این کشور، حداکثر تا ۱۰ سال دیگر، از نظر تولید غلات، خود کفا خواهد شد.

درجهان سرمایه‌داری

آهنگ رشد تولید صنعتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری

جدول زیر آهنگ رشد تولید صنعتی را در سال ۱۹۷۷ به نسبت سال ۱۹۷۰ در برخی از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نشان می‌دهد:

| کشور | درصد آهنگ رشد تولید صنعتی |
|--|---------------------------|
| ژاپن | ۱۳۱ |
| ایالات متحده آمریکا | ۱۲۷ |
| فرانسه | ۱۲۶ |
| جمهوری فدرال آلمان | ۱۱۵ |
| بریتانیا | ۱۰۷ |
| یادآور می‌شویم که بیکره همانند برای اتحاد شوروی، ۱۵۹ بوده است. | |

رسانه‌های گروهی ایران را از چنگ خبر گزاریهای امپریالیستی نجات دهید

ایران باشد و دچار تنگ نظرها و پیش‌دوریهایی مضربحال مردمی که می‌خواهند حقایق را بدانند نباشند. ادامه این بی‌خبری از رویدادهای منطقه خاورمیانه و مخصوصاً بیخبری از نظرات مثبت و منفی درون کشورهای دوست و غیر دوست مادر منطقه خاور - میانه قابل تحمل نیست. یا بویژه باید از موقعیت درونی کشورهای دوستان در منطقه خاورمیانه آگاه شویم.

ما در اینجا فقط بتوان نمونه‌ای از تحریف واقعات و محاصره خبرگزاریهای امپریالیستی برای نرسیدن واقعات رویدادهای جهان به ایران در ارتباط مستقیم با انقلاب ایران، به اطلاعات اشاره می‌کنیم که حجت‌الاسلام شیخ صادق خلخالی، حاکم شرع و نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی ایران، در جریان مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خویش، پس از بازگشت از سفر به کشورهای سوریه، لبنان، و لیبی در اختیار خلق ایران گذاشته است. سفری که همین خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی درباره آن حد اکثر سکوت و راه‌راحتی کردند و درباره‌ای مواقع با زشت‌ترین کلمات از ایشان و سرشان بکشورهای منطقه بی‌خاور می‌نمایند کردند.

حجت‌الاسلام شیخ صادق خلخالی در بازگشت از سفر خویش، ضمن پرده برداشتن از نقشه‌هایی که امپریالیسم و صهیونیسم مدتهاست با داغ نگه داشتن ماجرای نابینا شدن امام موسی صدر به اجرا گذاشته‌اند، تا ایران و لیبی نتوانند به نزدیک شوند، گفته است: «لاشکری لیلی در محاصره انواع توطئه‌ها توانست به پیشرفت‌های چشمگیری نائل آید. تاسیس کارخانه‌های بزرگ پارچه‌بافی، پیشرفت فوق‌العاده صنعت نفت و پتروشیمی، شیرین کردن آب از جمله دستاوردهای انقلاب لیبی است. پیشرفت‌های بعد از انقلاب اسلامی لیبی تا حدی است که میتوان گفت این کشور تا پنج سال دیگر موفق به صدور ماشین آلات سنگین خواهد شد.

در زمینه کشاورزی باید گفت لیبی پیشرفت‌های زیادی داشته است. در جبل‌الاکضر و بن‌غازی بین ۷ تا ۸ هکتار زمین به کشاورزی اختصاص داده شده که ۱ هکتار آنرا می‌توان باغ و باقیه باغی کشت ببرند. در همین نقاط ساختمان‌های مناسبتی در اختیار کشاورزان گذاشته شده است. خلاصه آنکه کشور لیبی چهارنعل بطرف استقلال واقعی می‌رود و روی همین اصل است که ایادی استعمار، چندی قبل میگفت که قذافی دیوانه است. همان لیبی

رسانه‌های گروهی ایران را از چنگ خبر گزاریهای امپریالیستی نجات دهید

سازمانهای جاسوسی این کشورها نیست، بلکه مستقیماً برای این سازمانهای جاسوسی خیرچینی میکنند و حتی مأموریت مستقیم جاسوسی انجام میدهند.

تشکیل کنفرانس خبرگزاریهای خاورمیانه عربی و امریکای لاتین، یعنی دو منطقه جهان که امریکا مستقیماً در آنها درگیر است و با چنگ و دندان می‌خواهد که خود را در جهت غارت این کشورها حفظ کند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اکنون سالهاست که خلقهای از بند رسته و خلقهای در حال نبرد با امپریالیسم، با سرکردگی امپریالیسم امریکا، به ماهیت واقعی این خبرگزاریها و نحوه کار آنها پی برده‌اند. در بسیاری از این کشورها، پس از پیروزی انقلاب، تلاش گسترده‌ای برای شکست سد خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی در برابر واقعات شروع شده و به نتایجی هم رسیده است. از جمله این تلاشها از تحریم مطلق استفاده از اخبار مخابره شده توسط این خبرگزاریها و یا کنترل بسیاری از اخبار این خبرگزاریها و تطبیق آنها با اخبار دیگری که از خبرگزاریهای کشورهای دیگر میرسد میتوان نام برد.

در همین کشورها اغلب پس از تحریم استفاده از اخبار این خبرگزاریها و باز شدن درهای بسته به روی اخبار واقعی مربوط به رویدادهای جهان، مردم از مقایسه رویدادهای قبل از تحریم و بعد از تحریم خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی دچار شگفتی شده‌اند.

در بسیاری از این نوع کشورها، صالح‌ترین خبرنگاران و خبرنگاران از داخل کشور انتخاب شده و برای کسب خبریه، دیگر کشورها اعزام شده‌اند. احتمالاً در استفاده از این شیوه، پاره‌ای رویدادها با تأخیر به آگاهی مردم آن کشور رسیده است، اما در موش اخبار واقعی در اختیار مردم قرار گرفته و آگاهی واقعی مردم درباره رویدادهای گوناگون جهان بالا رفته است.

در جهت همین تلاش‌ها برای رهائی از چنگال خبرگزاریهای مدموم و مصلوب امپریالیستی، خبرگزاری نوباتی طی چند سال گذشته تاسیس شده است که اخبار «جهان‌سوم» و کشورهای محترم امپریالیسم را مخابره میکند. این خبرگزاری «تاناگوم» نام دارد و تلاش میکند که آندسته از اخبار را که به جهان مخابره کند که خبرگزاریهای امپریالیستی به عمد از مخابره آنها امتناع میکنند و یا این سانسور سعی دارند مردم «جهان سوم» و دیگر خلقها را آریویدادهای کشورهای زیرستم استعمار و استعمار و اخبار مربوط به کشورهای

دوره‌هایی که گذشت، خبرگزاریهای خاورمیانه عربی و امریکای لاتین یک کنفرانس در دمشق پایتخت سوریه ترتیب دادند، که در آن تمام کشورهای خاورمیانه، جز خبرگزاری مصر شرکت داشتند.

در این کنفرانس راه‌های فسر از چنگال خبرگزاری امپریالیستی بررسی شد و در پایان برای ایجاد تمهیدات بیشتر جهت استفاده از اخبار خبرگزاریهای خاور میانه عربی و امریکای لاتین، قرار شد که کشورهای شرکت کننده در کنفرانس «در صدد از قیمت‌های خود کم کنند».

واقعتاً اینست که امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری غرب و ژاپن بر اساس یک برنامه دقیق طرح‌ریزی شده و با خرج میلیاردها دلار، طی دهها سال، تقریباً تمامی وسائط ارتباط جمعی جهان سرمایه‌داری را قبضه کرده‌اند و با ترغیب‌های مختلف بسیاری از کشورهای جهان را مجبور به استفاده از اخبار و گزارشهای این خبرگزاریها کرده‌اند. در واقع باید گفت که بر اساس این ترغیبها، میلیونها انسان جهان را از دید خبرگزاریهای امپریالیستی می‌نگرد و اطلاعاتشان در حدودی است که این خبرگزاریها از رویدادها و حوادث جهان مخابره میکنند.

این اخبار و گزارشها، طبق برنامه تنظیم شده در امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری به حوادث و رویدادها آظهور نگاه میکنند که اربابان غارتگران می‌نگرند و بدانگونه خبر و گزارش مخابره میکنند که منافع اربابانشان تأمین شود. بی‌شک ملت ایران دیگر با امترافاتی که چپاولگران امریکایی و در رأس آنها کاتر، در روزهای اخیر در رابطه با خلیج فارس و انقلاب ایران کرده‌اند، میدانند که منظور از منافع امریکا و غرب چیست. امریکا در توجیه عملیات نظامی و بسیج نظامی خود در خلیج فارس و تهدید مستقیمی که این عملیات نظامی برای انقلاب ایران و تمامی خلقهای منطقه در بر دارد، اعلام داشته است که امریکا برای «منافع ملی» خود و در واقع ادامه خارتگری جهان و از جمله منطقه خلیج فارس، از هیچ اقدامی از جمله اقدام نظامی فروگذار نخواهد کرد. و باز بر مبنای اظهارات سران امریکا و از جمله کاتر، که در این روزها در ارتباط با ایران پیاپی سخن می‌گویند و چه‌رواقعی خود را پیش‌انگیز نشان میدهند، بسیاری از این خبرنگاران و خبرگزاریهای جهان امپریالیستی، و کارشان تنها تحریف واقعات و مخابره اخبار بی‌دروغ و جعلی برای ایجاد بلوا و آشوب در جهت اهداف

ایران باشند و دچار تنگ نظرها و پیش‌دوریهایی مضربحال مردمی که می‌خواهند حقایق را بدانند نباشند.

ادامه این بی‌خبری از رویدادهای منطقه خاورمیانه و مخصوصاً بیخبری از نظرات مثبت و منفی درون کشورهای دوست و غیر دوست مادر منطقه خاور - میانه قابل تحمل نیست. یا بویژه باید از موقعیت درونی کشورهای دوستان در منطقه خاورمیانه آگاه شویم.

ما در اینجا فقط بتوان نمونه‌ای از تحریف واقعات و محاصره خبرگزاریهای امپریالیستی برای نرسیدن واقعات رویدادهای جهان به ایران در ارتباط مستقیم با انقلاب ایران، به اطلاعات اشاره می‌کنیم که حجت‌الاسلام شیخ صادق خلخالی، حاکم شرع و نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی ایران، در جریان مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خویش، پس از بازگشت از سفر به کشورهای سوریه، لبنان، و لیبی در اختیار خلق ایران گذاشته است. سفری که همین خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی درباره آن حد اکثر سکوت و راه‌راحتی کردند و درباره‌ای مواقع با زشت‌ترین کلمات از ایشان و سرشان بکشورهای منطقه بی‌خاور می‌نمایند کردند.

حجت‌الاسلام شیخ صادق خلخالی در بازگشت از سفر خویش، ضمن پرده برداشتن از نقشه‌هایی که امپریالیسم و صهیونیسم مدتهاست با داغ نگه داشتن ماجرای نابینا شدن امام موسی صدر به اجرا گذاشته‌اند، تا ایران و لیبی نتوانند به نزدیک شوند، گفته است: «لاشکری لیلی در محاصره انواع توطئه‌ها توانست به پیشرفت‌های چشمگیری نائل آید. تاسیس کارخانه‌های بزرگ پارچه‌بافی، پیشرفت فوق‌العاده صنعت نفت و پتروشیمی، شیرین کردن آب از جمله دستاوردهای انقلاب لیبی است. پیشرفت‌های بعد از انقلاب اسلامی لیبی تا حدی است که میتوان گفت این کشور تا پنج سال دیگر موفق به صدور ماشین آلات سنگین خواهد شد.

در زمینه کشاورزی باید گفت لیبی پیشرفت‌های زیادی داشته است. در جبل‌الاکضر و بن‌غازی بین ۷ تا ۸ هکتار زمین به کشاورزی اختصاص داده شده که ۱ هکتار آنرا می‌توان باغ و باقیه باغی کشت ببرند. در همین نقاط ساختمان‌های مناسبتی در اختیار کشاورزان گذاشته شده است. خلاصه آنکه کشور لیبی چهارنعل بطرف استقلال واقعی می‌رود و روی همین اصل است که ایادی استعمار، چندی قبل میگفت که قذافی دیوانه است. همان لیبی

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

پنج بال سپید نشسته به خون

پنج پیکر، همچون جرعه‌های خون، به آفتاب زندان و صلی زندگی خیز پیکرهای خود را در آستان پراکنده. پنج پیکر، پنج بال سپید نشسته به خون، حکم آفتاب راه مهتاب‌باشیدند و خودسبز و پاشتاب‌گذر کردند همچون شهاب همچون جرعه سلام آفتاب، سلام زندگی با تو در زایش آذرخیز خود، طپش‌های پرلین پنج‌بال آشفته را که به خون آذین گرفتند، هم‌امدادی.

امروز بیست و هشتمین سال شهادت پنج رفیق توده‌ای، محمدتقی اقدام دوست قومسوی، علی‌بلندی صومعه‌سرای، هرمز نیکخواه رشتی، محبت‌خواه رشتی و سبزه‌علی محمد پورسامانی، میگذرد.

۲۶ سال پیش، در نیمه شب چنین روزی، رژیم سفاک و دمدش رضاشاهی، برای سرکوب و کشتن هر چه پیشتر دشمنان خود، قادر بهندان و گزیمه‌های مسلسل بهشتی را مستور و دور برهنه‌جوی روانه زندان رشت کرد. هدف رژیم از این عمل آشکار بود. گزیمه‌های دون‌صفت شامل خود دستور داشتند که با پناه‌گیری، به صفوف زندانیان سیاسی حمله برند و مبارزین مبتدی راه گل‌گوله بپندند. در آن روزها، تنها در زندان رشت، ۲۰۰ مبارز توده‌ای در زنجیر رژیم کودتا بودند. رژیم رسوا، که در وجود مبارزین توده‌ای، به سدرستی دشمنان پیکر و آشتی‌ناپذیر خود را تشخیص داده بود، تصمیم داشت با قتل‌عام و ناپدید کردن هر چه بیشتر این مبارزین، که مقاومت و پیکار خلق بودند، روحیه ایستادگی و ستیز را به هم ببرد.

چنین بود که گزیمه‌های مسلسل به سدرستی روانه‌وار و سر به سجده، در نیمه شب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۳، پس از چند روز تحریک و توطئه چینی و زمینه‌سازی، به ناگاه به زندان ریختند و زندانیان راه رگبار گل‌گوله گرفتند. اما در درایت‌های توده‌ای‌ها، که نفس از زندگی چو شان توده‌ها گرفته بودند، دل‌ورانه در برابر این یورش سفاکانه ایستادگی کردند و آن‌را به صحنه دیگری از شکوه رژیم توده‌ای تبدیل کردند. یکی از صحنه‌های ضرور آفرین، در این سرخورد نابرابر در زندان رشت، هنگامی بود که

قرارداد مجتمع...

بقیه از صفحه ۱
اینک مقامات رسمی اعلام میدارند که هزینه طرح به ۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد. جری ۱۱ برای اینکه برخلاف مواد قرارداد، طرف ایرانی هزینه آبرسانی به مبلغ پانصد میلیون دلار و نیز هزینه احداث پالایشگاه گاز مبلغ ۱/۲ میلیارد دلار را راساً به عهده گرفته است.

۲- طبق قرارداد، طرف ایرانی متعهد شده که مساحه خام، یعنی گسار مورد نیاز مجتمع پتروشیمی را به ازاء هر فوت مکعب ۲ سانت از تاریخ بهره‌برداری به مدت ۱۲ سال به شرکت نامبرده تحویل دهد. قرار بر این بوده که گاز سرچاه تحویل گردد و هزینه سرمایه‌گذاری برای تصفیه و حمل و نقل آن به عهده شرکت باشد. انصارهای ژاپنی با توجه به هزینه سنگین تصفیه و حمل گاز، از قبول این ماده از قرارداد خودداری کردند و اجرای آن را به عهده طرف ایرانی گذاردند.

شرکت ملی پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری در تصفیه گاز و حمل آن را راساً به عهده گرفت و تا انقلاب میلادی در حدود ۸۰۰ میلیون دلار صرف این طرح کرده که در مرحله‌های هزینه آن به ۱/۲ میلیارد دلار بالغ خواهد شد.

جالب است که طرف ژاپنی تاکنون درباره قیمت گازی که باید به مجتمع پتروشیمی تحویل گردد، موافقتی با وزارت نفت بعمل نیاورده است. به بیان دیگر، قیمت گاز، طبق قرارداد، همان ۲ سنت برای هر ۱۰۰ فوت مکعب باقی است.

در اینجا باید متذکر شد که منظور از این گازها که به عنوان ماده خام باید مورد استفاده قرار گیرد، گازی نیست که مساحه میکروبیوم، گاز طبیعی و یا گاز همراه نفت دارای مواد ذقیقی چون متان، اتان، پروپان، بوتان و غیره است. گازیکه

صادم کردیم مهارت بوداژمتان، که در مجتمع پتروشیمی از آن به مثابه سوخت استفاده خواهد شد. بهنگام تصفیه گاز طبیعی و گاز همراه نفت، اتان و پروپان و بوتان تفکیک میشود، که اتان و پروپان به عنوان مواد خام مورد استفاده مجتمع پتروشیمی قرار خواهد گرفت. و اما قرارداد به شرکت آنچه میدهد که بوتان را در بازار جهانی به فروش برساند.

برای نشان دادن خلصت استعماری قرارداد کابست متذکر شویم که قیمت هر بشکه بوتان در بازار جهانی ۲۰۰ دلار است. و بوتان فقط یکی از ترکیبات گاز طبیعی است که ایران متعهد شده در آراء از طرفت مکعب آن ۲ سنت از شرکت مختلط ایران و ژاپن دریافت دارد.

۳- تولید نهایی مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی عبارت خواهد بود از هیدروکربورهای آروماتیک، پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن. به موجب قرارداد، حداکثر محصول تحویلی به طرف ایرانی نمیتواند از ۵۵ درصد تجاوز کند و قیمتی که ایران باید به پردازد، قیمت روز بازار تعیین شده است. و اما قیمتی که طرف ژاپنی باید به پردازد، طبق فرمولی تعیین خواهد شد که آشکارا به ضرر ایران است.

در قرارداد گفته میشود که قیمت محصول نهایی باید بطوری تعیین گردد که با احتساب کرایه حمل و نقل از ایران به ژاپن و حقوق و عوارض گمرکی، قابل رقابت در بازار ژاپن باشد. این بدان معنی است که قیمت محصول تحویل شده به انصارهای ژاپنی میتواند حتی از قیمت تمام‌شده آن نیز کمتر باشد. زیرا اولاً کرایه حمل، که کمپانی‌های ژاپنی تعیین میکنند، گران است. ثانیاً، دولت ژاپن مجاز است تا ۱۶ درصد ارزش کالا، حقوق گمرکی دریافت دارد. می‌توانن قایمه مکوس به عمل آورده قیمت محصول تحویلی به انصارهای ژاپنی عبارت خواهد بود از قیمت آن در ایران

رسانا

را میتوان از تمام کیوسکهای فروش نشریات خرید

منهای کرایه حمل و حقوق گمرکی، با در نظر گرفتن اینکه قیمت مواد خام، یعنی گاز تقریباً صفر است، میتوان به مایهت استعماری این قرارداد پی برد.

۴- مهمترین مسئله، استفاده از محصول نهایی مجتمع پتروشیمی در ایران است. قرار بر این بوده که هم‌روند با اختتام این مجتمع عظیم، صنایع دیگر چینی برای استفاده از محصول مجتمع پتروشیمی به عنوان ماده اولیه ایجاد گردد. ولی رژیم دست‌نشانده شاه مخلوع کوچکترین گامی در این زمینه برنداشت. لذا پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن بطور عمده باید به خارج حمل و پس از تبدیل آنها به مواد پلاستیک، دوباره جهت استفاده به ایران وارد شود. در طرح اولیه در نظر گرفته شده بود که این مجتمع مقداری پلی‌اکریل (برای الیاف مصنوعی) که مورد نیاز بازار ایران است و از ژاپن وارد میشود، تولید کند. ولی کارشناسان ژاپنی این برنامه را به علت «اقتصاد نبودن» از برنامه حذف کردند.

چنین است فقط گوشه‌ای از یک قرارداد نواستعماری به سود کشور نیست و باید ملقی گردد.

ورزش

مسابقات بین‌المللی جام تختی در تهران

اولین دوره مسابقات بین‌المللی جام تختی از روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در ورزشگاه دوازده هزار نفری آزادی آغاز خواهد شد. در این دوره از مسابقات ۶ تیم از ایران و چند تیم خارجی شرکت خواهند داشت. از تیمهای شرکت‌کننده در این دوره تاکنون ساعت و رود چهار تیم مشخص شده است: تیم کشتی آزاد رومانی در ساعت ۲۱ روز یکشنبه، تیم کشتی اتحاد جماهیر شوروی در ساعت ۲/۵ بهد از ظهر روز سهشنبه، تیم کشتی آزاد جمهوری خلق چین در ساعت ۱۲/۵ روز سهشنبه و تیم کشتی آزاد مجارستان در ساعت ۷ صبح روز سهشنبه وارد تهران خواهند شد.

همچنین برای بزرگداشت و تجلیل از جهان پهلوان تختی از طرف فدراسیون کشتی ایران از دوستان تهران وی دعوت بعمل آمده است تا در این دوره از مسابقات حضور یابند. این قهرمانان عبارتند از: **بوریس کولایف، آناتولی آبلو، بوریس گورویچ، الکساندر مدوید** از شوروی، **مصعب آلسی، حسن کتکچور، احمد آلیک** از ترکیه، **پتکوف سیراگوف، سید مصطفی‌اف** از بلغارستان، **پالم از سوئد، و ول فرید دیتز** از آلمان فدرال.

فیدل کاسترو...

بقیه از صفحه ۱
فیدل کاسترو این تبلیغات، دولت آمریکا تصمیم گرفت که یک مانور نظامی انجام دهد، که یکی از مراحل آن پیاده کردن نیرو در پایگاه نظامی آمریکا، گوآن-تالامو، در سرزمین کوبا بود، که بطور غیر قانونی همچنان آمریکا آنرا در اختیار دارد. دولت آمریکا همچنان سیاست ضد کوبایی خود را ادامه میدهد و جنبه تجاوز-کارانه این سیاست را تشدید میکند. این سیاست در دوران برگزاری کنفرانس کشورهای غیرمتحد در هاوانا به خوبی مشاهده شد. تبلیغات شدیدی در مورد حضور واحدهای نظامی شوروی در خاک کوبا برآه انداخته شد. ما انکار نمیکنیم که هفده سال است که گروهی از کارشناسان نظامی شوروی در کوبا هستند. دولت آمریکا از این تبلیغات برای تشکیل و استقرار واحدهای نظامی ویژه در گراواستو استفاده میکند. آمریکا نیروهای واکنش سریع تشکیل داد و کوبا را مورد تهدید تجاوز نظامی قرار داد. سال گذشته در پایگاه گوآن-تالامو یک مانور نظامی انجام داد و این اقدام یک تهدید نظامی مستقیم علیه کوبا بود، که نمیتوانستیم آنرا تحمل کنیم. ما هم تصمیم گرفتیم که نیروهای مسلح خود را بحال آماده باش در آوریم.

اکنون بیست سال است که آمریکا کوبا را در محاصره اقتصادی قرار داده است و حتی امکان نمیدهد که بما دارو فروخته شود. اما مدرترین هواپیماهای جنگی آمریکا مرتب به فضای کوبا تجاوز کرده به جاسوسی میپردازند. امروز خبر گزارهای نظامی و واحدهای مسلح آمریکا و پیاده کردن چتر باز در پایگاه گوآن‌تالامو انجام نخواهد شد. مقامات رسمی آمریکا این خبر را تایید کردند. اگر چنین باشد، کوبا هم تصمیم درباره آموزش-تعمیراتی را، که اعلام شده بود، لغو میکند.

از سخنرانی طاهر احمدزاده در گردهم‌آیی انقلاب فرهنگی اسلامی:

برای انقلاب فرهنگی باید مناسبات اقتصادی - اجتماعی را دگرگون سازیم

در مطبوعات کشور

این اخلاق انقلابی را کسی به‌زور به مردم تحمیل نکرد و این ازیرکات انقلاب بود اما به‌سزاد بی‌روزی که حرکات انقلابی متوقف شد، به‌تدریج فرهنگ امپریالیستی را افتاد، احتکار، مواد مخدر و خوشگذرانی‌ها دوباره احیا شد. ماهه این‌ها راه‌گردن امپریالیسم و ضد انقلاب انداختیم، فاضل از اینکه زمینه‌های از کودتا انقلاب حاصل شده بود. احمدزاده گفت: برای انقلاب فرهنگی باید مناسبات اقتصادی، اجتماعی حاصل را که فرهنگ امپریالیستی را تشدید می‌کنند، دگرگون سازیم، نظام شورایی اسلامی را برقرار کنیم. در همه اجتماعات، بلکه در عمل منظور تحکیم سلطه جناحی بر جناح دیگر باشد، آتوقت ما با فاجعه روبرو خواهیم شد. (اطلاعات، ۲۱ اردی بهشت)



تهران - ابراهیم معتمدنژاد

هشدار به شورای انقلاب

درست در روزهای پس از شکست نسبی طرح توطئه وسیعی که آمریکا برای سرنگونی رژیم انقلابی ایران ریخته بود، خبر می‌رسد که در چند نقطه از کشور تمهادهای از اتباع خارجی توسط مراجع مسئول دستگیر می‌شوند. پاسخ يك اكيب ۲۲ نفره اتباع کشورهای مختلف بیگانه‌نویز چو این سوال کم‌جوز ورود آنان به ایران چه بوده آن است که در پاکستان موفق شدیم که یکساعته ویزای ورود به ایران را بگیریم. ویزای این خبر از اصفهان بود. خبر دیگری حاکی است که در اردکان یزد پس از آنکه دو نفر با ساسی

این امر برای مردم کوبا و همبستگی بین‌المللی يك پیروزی است. اما تصمیم درباره برگزاری ظاهرات به نفع خود باقیست. این ظواهرات به اعتراض علیه مانور نظامی، علیه پایگاه نظامی آمریکا در گوآن‌تالامو و عملیات جاسوسی آمریکا علیه کوبا برگزار میشود. اگر دولت آمریکا اعلام کند که محاصره اقتصادی را قطع می‌کند، پایگاه نظامی در گوآن-تالامو را منحل میکند و به پرواز-های جاسوسی علیه کوبا خاتمه میدهد، ما هم تظاهرات علیه آمریکا را لغو خواهیم کرد. آمریکا سرانجام باید واقیبت کوبا را درک کند. باید به کوبا احترام بگذارد. آمریکا مانور نظامی را لغو کرده، ولی بخود حق میدهد که هر وقت بخواهد به چنین مانورهای دست بزند.

سنتوی قدیم، سنتوی جدید!

کارت می‌کوشد تا به‌سران این کشورها بقولاند که تنها راه نجات و سلامت آنان در برابر خطر مسکو، گرایش آنان به سوی غرب و پناه بردن به آمریکا خواهد بود. در غیر این صورت برای امنیت منطقه هیچگونه تضمینی وجود نخواهد داشت.

کارتی در خطابه خود از یک نیروی جدید سخن می‌گوید، در واقع هدف اصلی کارتس در این سیاست جدید تشکیل یک سنتوی جدید در خاورمیانه است. بنازگی تقه‌های از طرف مشاور امنیت کارتس، برزیسکی تهیه شده که در آن خطوط همکاری کشورهای منطقه را مین می‌کند و بر اساس این طرح در کشورهای آمریکا، آفریقای شمالی، خاورمیانه و آسیای جنوب فرسی يك چتر بوجود خواهد آمد که در زیر این چتر امنیتی که با قراردادهای مشترک بین کشورهای منطقه بوجود می‌آید، مصر، اسرائیل، اردن و عربستان سعودی قرار می‌گیرند. دولت ترکیه ماه گذشته با آمریکا قرارداد همکاری دفاعی دو جانبه منعقد ساخته است و همچنین ژنرال ضیاء الحق چهارمصد میلیون دلار کمک مالی آمریکا را ناچیز شمرده و پافشاری برای کمک بیشتر نموده - هر دو حالت نشان‌دهنده گرایش پاکستان و ترکیه به سوی يك پیمان سازمان جدید با آمریکا می‌باشد. آمریکا درصدد است که در آینده نزدیک چنین سازمانی تشکیل دهد. ترجمه از مطبوعات ترکیه (جمهوری اسلامی، ۲۲ اردیبهشت)

کارتس می‌کوشد تا به‌سران این کشورها بقولاند که تنها راه نجات و سلامت آنان در برابر خطر مسکو، گرایش آنان به سوی غرب و پناه بردن به آمریکا خواهد بود. در غیر این صورت برای امنیت منطقه هیچگونه تضمینی وجود نخواهد داشت.

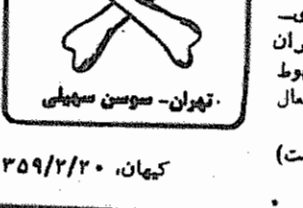
بیکاری در آمریکا

● آمریکا تاکنون در سایه صادرات، نرخ بیکاری ضمنی داشته ولی از این بحد چنین نخواهد بود.

● کارتس مذبح‌خانه می‌کوشد با تقلیل نرخ بهره، تورم را کاهش دهد.

● در آخر ماه آوریل ناگهان ۸۲۵۰۰۰ نفر بیکار شدند و تعداد بیکاران به ۷۳۰۰۰۰ نفر رسید.

(آزادگان ۲۱ اردیبهشت)



تهران - سوسن سهیلی

فیدل کاسترو در سخنرانی خود به روابط ایران و آمریکا نیز اشاره کرد. کاسترو گفت: در ایران يك انقلاب حقیقی که نسبت به این انقلاب ایران است. ما موظف هستیم بپناهندگی سوسی و پنج میلیون اهالی ایران را از گرسنگی خفه‌کننده، کشورهای عضو اوپک حق دارند که صدور نفت به آمریکا را قطع کنند. برای کشورهای صادرکننده نفت، برای کشورهای غیرمتصل و برای اصلاح‌طلبان سوسی هوشیاری فرا رسیده است. فیدل کاسترو در پایان سخن رانی خود گفت: «باید بکشتار مین‌پرستان‌سالوادوریان نادمه بشود. سالوادور به حمایت و همبستگی گسترده بین‌المللی نیاز دارد. باید مس آمریکا از این کشور کوه شود»

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی اجرا کنید!

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

نارسالی در امر توزیع سیمان در قائم شهر

برای توزیع سیمان قائمشهر هنوز هیچ ضابطه مشخصی تعیین نشده است و این مسئله نارضایتی فراوانی را در مردم ایجاد کرده است.

اخیراً در قائمشهر شرکتی به نام «شرکت تهیه و توزیع گچ و سیمان قائمشهر» ایجاد شده است که گچ و سیمانی که به قائمشهر وارد می شود توسط این شرکت توزیع می گردد. با اینکه یک نفر از طرف شورای شهر قائمشهر برای نظارت بر کار این شرکت و چگونگی توزیع سیمان تعیین شده است، اما هنوز در امر توزیع سیمان هیچ ضابطه مشخصی تعیین نگردیده است. به همین جهت مردم روزی مجبورند برای خرید سیمان جلو این شرکت اجتماع کنند و سپس به دنبال کامیون حامل سیمان به پتگاه مربوطه بروند و سیمان خود را با بستن صف دریافت کنند.

ما از مقامات مسئول می خواهیم که هر چه زودتر به امر توزیع سیمان در شهر قائمشهر رسیدگی کنند و اجازه ندهند که ضد انقلاب بهانه دیگری برای رسیدن به اهداف خود پیدا کند.

کوتاه کردن دست واسطه های سیمان در شیراز

مسئولین دولتی در شیراز، به منظور کوتاه کردن دست واسطه ها، توزیع سیمان را در این شهر راساً برعهده گرفتند.

بر اساس اطلاع رسیده اخیراً مقامات دولتی در شیراز همه روزه مقدار مشخصی سیمان میان خریداران توزیع می کنند. البته محدودیت میزان سیمان باعث شده است که به هر خریدار تنها یک کیسه سیمان عرضه شود که کفاف یک ساختمان کوچک را نمی دهد. ولی به جهت این کار باعث کوتاه شدن دست واسطه ها و رسیدن سیمان به دست مصرف کنندگان با قیمت عادلانه ای شده است.

خریداران سیمان در شیراز ضمن تأیید این عمل، خسارت افزاینده میزان سیمان عرضه شده و گسترش این کار در سطح استان فارس شده اند.

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹
شماره تلکسی:
214081 TPI IR
چاپ، کلریان

MARDOM
No. 333
13 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.



تظاهرات دانشجویان پاکستان علیه رژیم ضیاءالحق

بدنبال تظاهرات دانشجویان در دانشگاه پزشکی راولپنڈی، دولت نظامی پاکستان این دانشگاه را برای مدت نامعلوم تعطیل کرد. دانشجویان این دانشگاه در دو هفته اخیر بارها علیه سیاست کشور برپا شده ضیاءالحق دیکتاتور پاکستان دست به تظاهرات زده بودند. دولت پاکستان تلاش دارد که تظاهرات دانشجویان را، که علیه رژیم ضیاءالحق صورت میگیرد، به مسائل سیاسی مانند «مشکل آذاری» و «برنامه امتحانات (۱)» نسبت دهد.

همکاری نظامی آمریکا و چین گسترش می یابد

دو همکاری نظامی آمریکا و چین، لیبووا کینگ، رئیس ستاد ارتش چین، برای مذاکره با رهبران نظامی آمریکا وارد واشنگتن شد. قرارداد رئیس ستاد ارتش چین با رهبران نظامی آمریکا درباره مسائل تسلیحاتی مذاکره ای انجام دهد. همچنین رئیس ستاد ارتش چین در واشنگتن مقدمات سفر نایب نخست وزیر چین به آمریکا را فراهم می کند.

اوضاع اقتصادی ایتالیا روبه وخامت می رود

اوضاع اقتصادی ایتالیا در سال جاری مانند سال گذشته همچنان روبه وخامت می رود. آیین سرمایه داری، با تورم فزاینده و بی کاری دست به گریبان است. بنا به گزارش کارشناسان اقتصادی ایتالیایی، انتظار می رود که تورم تا پایان سال جاری با سرعت بی سابقه ای افزایش یابد.

اعتصاب کارگران پاکستان بعنوان اعتراض به تورم و اخراج بی رویه کارگران

۱۸ هزار تن از کارگران در کشمیر پاکستان بعنوان اعتراض به تورم و اخراج بی رویه کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران همچنین به دستگیری چند تن از رهبران اتحادیه ای اعتراض داشتند. گزارش های رسیده نشان میدهد که کارگران اعتصابی موفق شده اند به خواسته های خود برسند. و کارگران باند داشت شده آزاد گردیده اند.



رژیم عربستان سعودی در خدمت اسلام آمریکائی

سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب (سعودی) با چاپ و روشوری به افشاکاری در مورد رژیم عربستان سعودی پرداخته و تأکید کرده است که این رژیم در خدمت اسلام آمریکائی است.

گسترش فعالیت شمال «سپاه» در کشورهای عربی و خلیج فارس

نشریه بیروتی «القاعده» فاش کرد که در هفته های اخیر شمار زیادی از «تجارت» و «پژوهشگران» آمریکائی از پایتخت های کشور های عربی و خلیج فارس بدین کردند. این افراد که سعی میکنند فعالیت هایشان محرمانه باشد، با کسانی که سالها با سازمان سیاراتیاط داشته اند، تماس های گسترده برقرار کرده اند.

تشکیل کنفرانس همبستگی با مبارزه مردم کرانه غربی اردن

دو بهی اخراج مقام برجسته عرب از کرانه غربی رود اردن بوسیله مقام های اسرائیلی، یک کنفرانس همبستگی با مبارزه مردم کرانه غربی رود اردن در بیروت تشکیل شد، که در آن دبیر کل حزب کمونیست لبنان و شخصیت های عربی و فلسطینی شرکت داشتند. در این اجلاس سخنرانان سیاست فشار و سرکوب مردم کرانه غربی رود اردن بوسیله اسرائیلی ها را شدیداً محکوم و اعلام کردند که اسرائیل با حمایت آمریکا این جنس بی شرمانه دست به سرکوب فلسطینی ها زده است. ابو ریاد، مقام برجسته فلسطین، در سخنان خود گفت که بسیاری از کشورهای عرب فقط در ظاهر از اسلام سخن میگویند، ابو ریاد اضافه کرد که اسلام موقی برای این کشورها مطرح میشود که لبین پاشیدن به اتحاد شوروی مطرح باشد و هنگامی که فلسطین مطرح میشود اسلام نیز فراموش می گردد.

شوخی نیست...!

کاندیدای کومه

در بین کاندیداهای نمایندگی مجلس در ورامین، یک روحانی بنام جعفر مهاجر وجود داشت. وی برای راه پیدا کردن به مجلس تنها کار تبلیغاتی که کرد این بود که تمام نفودها، اسوا کپها، قداره بندیان و جماعت بدستمان دوران شاه را برای تبلیغ بسیج متحد کرد. (انقلاب اسلامی، ۵۹/۲/۱۵)

این جناب «روحانی» در سخنرانی هایش گفته بود: «اگر انتخاب نشوم از کشته، پشته مسازم». و یا «ورامین را کردستان می کنم» (هما نیجا)

سؤال: ببخشید، این روحانی کاندیدای «کومه» و یا «ترپه های پوک» دیگر نبود؟

حیوان جنگجوی آمریکائی

روزنامه های آمریکائی فرمانده تیم نظامی حمله به ایران را معرفی کردند. «سرنک چارلز بکویز» فرمانده واحد مخصوص «نور آبی» است که به ایران حمله کرد. مسئولیت قتل های بسیاری از مردم ویتنام به گردن این سرنک جنایتکار آمریکائی است. سرنک «بکویز» که در دستر قد دارد، یک قول آمریکائی است که به حیوان جنگجو معروف است. او نزد کلاه سبزهای آمریکا، که در ویتنام به قتل عام مردم ویتنام مشغول بودند، بسیار معروف است. سرنک «بکویز» که فرماندهی ۲۵۹ کماندو با نام مردان «نور آبی» را به عهده دارد، جنایات بی شماری در ویتنام مرتکب شده است.

ما فقط میتوانیم این حیوان جنگجوی آمریکائی را به باغ وحش معرفی کنیم!

هسته گلوگیر

«چین از آمریکا نیروگاه هسته ای خرید» (کیهان، ۵۹/۲/۱۵)

ظریفی گفت: باید به آقای هوا کوفتک گفت: مواظب آینده باشید. این نیرو هسته ای بدجوری در گلو گیر میکند!

سئوال روز

«امریکائیان مقیم ایران را هیچ خطری تهدید نمیکند.» (خبرگزاریها، کیهان-۵۹/۲/۱۵)

لطفاً سئوال نکنید

استاندار اسفهان طی افزایش توطئه آمریکا برای تخریب پالایشگاه اسفهان گفت: «طی تلکسی از آمریکا به کارکنان شرکت فلور (پیمان کار) و سازنده پالایشگاه (اسفهان) از آنها خواسته شده بود کامپیوتر پالایشگاه را با باز کردن قطعات مشخص از کار بپندارند و این قطعات را از طریق شرکت «ایران دیکتال» به کویت بفرستند. و اگر ارسال قطعات مشکل باشد... مانند قطعات در شرکت مذکور اشکالی ندارد.» (کیهان ۵۹/۲/۱۶)

لطفاً سئوال نکنید: «شرکت ایران دیکتال» چیست و در ایران چه کارهایی میکند؟

یک پیشنهاد سازنده

روابط عمومی استانداری کرمان، پیرامون تجاوز نظامی دوپاره آمریکا به ایران اطلاع داد که: «روز گذشته ۴ فروند هلیکوپتر آمریکائی توسط عشاری صرف در حال پرواز مشاهده شد که...» (کیهان ۵۹/۲/۱۶)

ظریفی پیشنهاد می کرد که بجای دستک های راداری و بو خاصیت ایران، که هیچ کاری از دستشان بر نمی آید، این عشاری را قرار بدهند که اقلاً هواپیما را در حال پرواز در ارتفاع کم مشاهده کنند!

تکذیب

روزنامه کیهان، ۱۶ اردیبهشت، مشخصات یک گروه کماندویی انگلیسی را، که در «خدمات مخصوص هوایی» مشغول کارند، چاپ کرده است. این گروه با شعار «کمیته جرات میکند، پیروز است» طوری تربیت میشوند که «در هر شرایطی دست بپسندند که شکست در آن جز فاجعه اثری ندارد...» داوطلبان عضویت یک سلسله آزمایشهای جسمانی روانی پر شکنجه را می میکنند... آنها طوری تربیت میشوند که در محلات سریع و بیرحمانه چنان ورزیده شوند که با هر بحرانی بتوانند رو برو شوند... این گروه در ۱۹۴۲ نخستین بار زیر نظر «موتنکس» بوجود آمدند. و از آنها را بقدر کافی «بی کله» خوانده بود... بیشتر فعالیت های این گروه در ایران شمالی علیه ملیون جمهوریخواه متمرکز بوده است.

بدنبال این خبر گروهی از کفکارها و خرسها و درندگان «وحشی» در جنگلهای آمازون کرده آمدند و طی تلکرامی به کاخ سفید واشنگتن، هر گونه ارتباط را با این کماندوها (از نظر وحشیگری) تکذیب کردند!

آقای شلزینگر، شما هم!

چیم شلزینگر، وزیر سابق دفاع آمریکا، که در آمریکا و اروپا بعنوان «خبیر» مسائل استراتژیکی و دفاعی شهرت دارد، در مصاحبه ای با مجله اشپیکل، که ترجمه آن را روزنامه اطلاعات (۱۸ اردیبهشت) چاپ کرده، از جمله گفته است: «مسابقات تسلیحاتی بین دو ابر قدرت تا چند سال اخیر هم مسر خود را طی می کند، ولی ناگهان جنبه یک جانبه به خود گرفت. شوروی روز بروز در بودجه تسلیحاتی خود افزود، جمع پول های را که دولت شوروی صرف مخارج امور تسلیحاتی میکند، به اندازه کل مجموع مخارجی است که کلیه کشورهای غرب به مصرف هزینه های تسلیحاتی خود میرسانند.»

معای اول، از آنجا که این حرف ها را عیناً با اضافه ارقام و آمار، در تیپه نامه «رنجیر»، شماره (۳۸) سر قلم رفته اند. معلوم کنید، شلزینگر «رنجیر» را میخواند یا «رنجیر» شلزینگر را می خواند. شلزینگر اضافه کرده است: «بدون شك هر گاه ما قدرت تسلیحاتی خود را با قدرت تسلیحاتی شرق خطر از نکنیم، هرگز قادر نخواهیم بود از امنیت خود دفاع کنیم و همواره در معرض خطر خواهیم بود.»

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود